اُمّت

وَکَذٰلِکَ جَعَلْنٰاکُمْ اُمَّةً وَسَطاً لِتَکُونُوا شُهَدٰاءَ عَلَی النّٰاسِ وَیَکُونَ الرَّسُولُ عَلَیْکُمْ شَهِیداً

سال اوّل شماره ۲۱

چهارشنبه ۱۴شهریور ۱۳۵۸

بها ۱۵ ریال

دراین‌شماره:

نفت بزرگترین منبع بدبختی

مخالفت با تشکیل شورا در ارتش

حماسهٔ مهدی

صمد موجی در ارس

آیا شیخ الاسلام زاده....

اخبار

خصوصیات یک فرمانده

کسی را از میان سپاهیانت به‌فرماندهی بگمار که در نظرت از همه نسبت بخدا و رسول او و امام تو وفادارتر و جانبازتر و درست‌کردارتر و پاکدامن‌تر و بردبارتر باشد، از آنهائیکه دیر بخشم می‌آیند و زود پوزش را قبول می‌نمایند.

نهج‌البلاغه علی (ع)

دو بحران عمده انقلاب

ـ قصد امریکا آنستکه ما را تحت فشار این بحرانها و تحریکات در راهی قرار دهد و سیاستهایی را بما تحمیل کند که نتایج آن در دراز مدت بسود او و مصالح تجاوز کارانه‌اش تمام شود.

بر کسی پوشیده نیست که میهن ما در حال حاضر با مشکلات بزرگ و خطیری دست به‌گریبان است. هر انقلاب دشواریها و موانعی در راه تداوم و تکامل خود دارد. انقلاب ایران هم موانع و مشکلات خاص خود را دارد هر انقلاب دشمنانی دارد و انقلاب ما هم که باید با دقت و هوشیاری، شجاعت و درایت با آنها مقابله کنیم.

موقعیّت فعلی برای انقلاب ما، تا حدودی تعیین کننده است و حوادث سخت و سهمگین، گرایشها و تمایلات قوی ـ تأثیر و فشاری بسیار قوی بر روی انقلاب برجای می‌گذارند.

حوادث کردستان و آشوبها و توطئه‌هایی از این نوع یکی از سرچشمه‌های فشارانـد. بحران اقتصادی و بیکاری سرچشمه دوّم است.

اهمیّت هر یک از این دو مسئله بزرگ به‌نحوی آنقدر هست که با مسئولیت تمام در برابر آنها قرار گیریم ـ این مشکلات دو چنبه دارند ـ یا از دو سو بر سرنوشت انقلاب تأثیر می‌گذارند ـ از یک طرف نقش بحران در غرب و مشکلات اقتصادی ـ اختلالاتی را سبب می‌شوند و حرکت چرخهای انقلاب را کند می‌کنند ـ از طرف دیگر چگونگی برخورد با این مسایل است که نتایج و آثار مهمّی در بر دارد ـ فشاری که ادامه بحران بر مردم و انقلاب وارد می‌آورد اقدامات فوری و سریعی را ایجاب و ضروری می‌سازد.

تردید نیست که دشمنان انقلاب و در رأس آنها نیروهای امپریالیستی ـ نقش اصلی را در ایجاد و توسعهٔ بحرانها عهده دارند ـ بحران اقتصادی و بیکاری فعلی محصول نفوذ و سلطه و غارتگری استعمارگران، شرکتهای بزرگ بین‌المللی ـ بانک‌ها و سرمایه‌گذاریهای خارجی و عملکرد سرمایه‌داران وابسته داخلی است. اگر صنایع ما وابسته به‌استعمار نبود به‌آسانی به‌حیات خود ادامه می‌دادند. اگر سرمایه‌داران ـ هر سال میلیاردها از ثروت مملکت و از محصول کار و زحمت کارگران را خارج نمی‌ساختند ـ

بقیه در صفحه ۲

آیت‌الله طالقانی:

من نمی‌خواهم بگویم که دولت ازهرجهت کارهایش مورد تأیید است

روز جمعه ۵۸/۶/۹ بار دیگر شاهد اجتماع عظیم مردممان بمناسبت برگزاری نماز جمعه به‌امامت آیت‌الله

بقیه در صفحه ۳

بیاد شهیدان میدان شهدای ۱۷ شهریور

خدا ، خون ، پیام

روز قبل از هفدهٔ شهریور تظاهرات عظیمی در تهران برگزار شد علی‌رغم شهیدی که صبح آنروز دشمن بعنوان زهرچشم از تظاهر کنندگان گرفته بود طرفهای عصر که جمعیت از چهارسو به‌چهار راه مصدق (پهلوی سابق) رسید ناگهان این شعار مانند پتک بر سر طاغوتها فرود آمد «مرگ بر شاه»....

جوانترها با شتاب فریاد زدند مرگ بر شاه و پیرترها اندیشناک لب بر دندان گزیدند گویی این دمل چرکین دو هزار ساله را نیشتر زده‌اند همهٔ شعارها یکطرف این یکطرف، بعدها هم در تظاهرات هر بار جمعیت خسته میشدند کافی بود شعار مرگ بر شاه را طرح کنی همه جانی دوباره میگرفتند می‌بینی برادر کینه به‌دشمن چه نیروی عظیمی است. گاهی اوقات از عشق برنده‌تر است.

باری به‌محض گفتن این شعار عده‌ای خود را کنار کشیدند عده‌ای در جمعیت پراکندند که هر که مرگ بر شاه می‌گوید ساواکی است اما گوش جوانها و جوانترها باین حرفها بدهکار نبود پیران لبها را به‌لب میفشردند، بغض کرده بودند، التماس میکردند که نگوئید، نگوئید اما مگر میشد نگفت مثل اینکه سالها در قفس باشی و آرزوی پرواز بالهایت را بی‌تاب کرده باشد در قفس باز باشد و تو نیری! عصر شانزدهم شهریور یکی از پرشکوهترین روزهای تاریخ بود چرا که بعد از آن دست رژیم جدی‌تر درباره بقول خودشان شورشهای خیابانی می‌اندیشد. آنروز عصر قرار صبح فردا گذاشته شد و همصدا فریاد زدیم «فردا صبح ـ هشت صبح ـ میدان شهدا»

روز پنجشنبه شانزدهم شهریور قطعنامه‌ای قرائت شد از طرف روحانیت مبارز تهران که می‌گفت فردا تظاهرات نداریم. اما این را نه‌تنها همهٔ مردم نشنیدند بلکه آنهایی هم که شنیدند ترتیب اثر ندادند و فردا صبح از ساعت ۵ صبح مردم از هر سو سمت میدان شهدا براه افتادند. ساعت ۷ صبح رادیو اعلام حکومت نظامی در تهران و یازده شهر دیگر می‌کند و شروع می‌کند به‌خط و نشان کشیدن که اجتماع بیشتر از سه نفر ممنوع در حالیکه همانموقع لااقل چندین هزار نفر در میدان شهدا جمع شدند. ارتش خشمگین در برابر مردم این توده بی‌نام و با صفا و محبت که حتیٰ دژخیمانشان را می‌بخشید ایستاد همان ارتش‌هایی را که بر سرشان گل می‌ریختیم همانها که از شدت تاثر اشک از چشمانشان راه افتاده بود همانها که مردم بکرات داغ و لکه گناه را از دامنشان پاک کرده‌اند و دوباره حتیٰ بزحمت درون قلب‌هاشان جایشان داده‌اند، «ارتش تو بیگناهی

بقیه در صفحه ۳

«دیداری با زحمتکشان کارخانه کیوان همدان»

● عدم تفاهم کارگر و کارفرما تولید کارخانه را به‌حداقل رسانیده.

● قانون کار را باید کاگر تدوین کند.

● کارگر از قانونی که در اطاقهای دربسته توسط غیر کارگر تدوین شود وحشت دارد.

گزارش کارگری را که مطالعه می‌کنید، بوسیله برادران ما در دفتر نشر امت از همدان تهیه شده است، درج این گزارش در مجموع مفید تشخیص داده شده است، و مواضع آن لزوماً مواضع شورای نویسندگان امت نمی‌باشد.

وقتی به‌صورتشان می‌نگری آثار شوم نظام کارفرمائی رژیم منحط پهلوی را می‌بینی.

وقتی بر دستانشان که سرمایهٔ وجود ماست می‌نگری چرخش آنچنانی ماشین‌ها و گردش اینچنانی پولهای کلان و عرقهای آنچنانی و عباشی اینچنانی سرمایه‌دارانی فراوان را تصویر می‌کنی. صدایش که می‌لرزد با همان لرزش، فرو ریختن دیواره‌های طاغوتیان را تجسم می‌کنی و حال این صدا می‌لرزد تا حق خود گیرد و بار دیگر اصالتش را بیان نماید. آری او کارگر است کارگر زحمتکش، مجموعه‌ای ساخته شده برای سود رسانیدن به‌نورچشمی‌ها، آری او انسانی است از تبار فریادها و از خاندان بردگان. او در طلوع اسلام در خاکش فریاد می‌زند تا حق از دست رفته‌اش را بیابد و یافتنش را بدیگران بیاموزد. سراپای زندگی او فقر است بی‌پولی است، مشکل است ولی می‌سازد تا به‌امید فردائی نو تا، کارخانه‌ای با تولیدی تازه‌تر به‌بازار عرضه کند. صبحگاهان که لباس بر تن می‌کند و با طلوع خورشید آغاز کارش را جشن می‌گیرد بامید پیروزی بر باطل بارهای سنگین کارخانه را بر دوش می‌کشد و شب هنگام که لباس کارگری را از تن بیرون می‌سازد و لباس خوشبختی بتن می‌کند به‌خانه می‌رود تا نوید آیندهٔ زیبائی را به‌خانواده‌اش بدهد. او کارگر است کارگری از کارخانه کیوان همدان از کارخانهٔ کیوان های وطنمان ایران یکی از پس‌مانده‌های گروهی سرمایه‌دار که اینجا را برای حیف و میل خود ساختند و حال کوله‌باری از غم و اندوه و مشکل بر جای نهاده‌اند و...

کارخانه کیوان در نزدیکی همدان قرار دارد و در سال ۱۳۵۵ تأسیس شد و در همان سال شروع بکار

بقیه در صفحه ۶

گزارشی از روستای کلوانق

موقعیت: این روستا در شرق تبریز واقع است که جادهٔ فرعی و خاکی آن از کیلو متر ۸۵ جاده تبریز ـ اهر منشعب و تا خود روستا ۳۵ کیلو متر است که قسمتهایی از جاده بکلی از بین رفته است. روستا در میان تپه‌های کم ارتفاع و در نزدیکی تلخه رود واقع است.

جمعیت: در حدود ۸۰۰ خانوار در این روستا زندگی می‌کنند که جمعاً در حدود ۵۰۰۰ نفر هستند.

سیستم آبرسانی: آب آشامیدنی پیدا نمیشود و مردم از چشمه‌ایکه بفاصله ۳ کیلو متر از ده فاصله دارد استفاده می‌کنند و هر خانواده یک نفر یا یک الاغ مسئول تأمین آب آشامیدنی خانه است سه سال پیش مبلغ ۸۰ هزار تومان از روستا جمع‌آوری کرده‌اند تا آب لوله‌کشی در روستا درست کنند که این مبلغ را انجمن شهرستان منطقه با چند نفر از اهالی روستا خورده‌اند و عملاً کاری را انجام نداده‌اند.

روابط فرهنگی: این روستا تقریباً ساخت قبلی خود را از قبیل حفظ آداب و سنّن عمومی و طرز لباس پوشیدن را حفظ کرده است. بیشتر جوانان روستا در شهر اصفهانی در چند شرکت راهسازی و ساختمانی و در تبریز در سیمان صوفیان مشغول کار هستند و خانوادهٔ اینها در روستا است و خودشان در شهر ها کار می‌کنند و بعد از مدتی بر می‌گردند و هنوز رابطهٔ خودشانرا قطع نکرده‌اند.

آموزش: این روستا دارای یک دبستان است که ساختمانش هنوز اتمام نشده است تعداد ۷۰ نفر در اینجا درس می‌خوانند بخاطر تعصبات مذهبی و همچنین قالیبافی دخترها درس نمی‌خوانند.

بهداشت: در روستا اثری از درمانگاه و پزشک و بهداشت نیست. با وجود جمعیت کثیر، حمام نیز وجود

بقیه در صفحه ۷

خطرات ضد انقلاب

در مقطع زمانی‌فعلی شناخت انقلاب و ضدانقلاب برای تداوم بخشیدن به‌انقلاب وحفظ دستآوردهای آن‌ازضرورتهای اساسی و از مبرم‌ترین و حیاتی‌ترین مسائل‌است. چرا که بدون‌شناخت ماهیت دشمن مبارزه با آن امری است بسیار مشکل و دربسیاری مواردناممکن. برای‌مبارزه با خصم شناخت ماهیت آن، شیوه‌های فعالیت، زمینه‌های رشد و فعالیت و چگونگی عملکرد و حمله دشمن‌ازاساسی‌ترین‌موارد درتداوم انقلاب است. تاریخ خود همیشه بمثابه یک‌منبع و کانون بزرگ تجربه و نمونه میتواند دراین زمینه نمونه‌ها و شواهد کافی در اختیار انقلابیون اصیل بگذارد. شناخت‌وبررسی انقلاب‌های‌بزرگ و اصیل‌جهانی، شیوه‌های نفوذ و رشد ضدانقلاب می‌تواند راهگشای مبارزه با ضدانقلاب در مقطع فعلی باشد. بایک‌نگاه‌حتی سطحی‌به‌سرنوشت انقلابات جهان‌می‌بینیم‌که آنچه که انقلاب‌راهمیشه تهدید کرده است خطرات داخلی‌ودرونی است (البته‌این بدان معنانیست، که خطر خارجی و بیرونی ندیده گرفته میشود). تأکید بیشتر برخطر درونی دقیقاً" از این زاویه دید است که ضدانقلاب و عوامل وابسته‌درونی‌بدلیل آشنایی به ایدئولوژی انقلاب و حتی مسلح‌شدن بدان قادرند کاری‌ترین ضربه‌ها را به انقلاب بزنند. واز آنجائیکه ماسک انقلاب نیز برچهره دارد بسرعت قادر میشود، موجودیتش را حفظ کرده و موقعیتش را تثبیت نماید. آنچه‌که در صدر اسلام دربرابرعلی‌جبهه میگیرد، دقیقاً" نیروهایی هستند که به‌ایدئولوژی اسلامی مسلحند. بعنوان نمونه‌جبهه جمل وصفین‌رابنگرید. جنگ علی‌بخاطراختلاف در عقاید و احکام دینی نیست، بلکه‌هردو جبهه خود رامسلمان می‌دانند اما جبهه مخالف‌خواستاربدست‌آوردن‌موقعیت‌سیاسی و اجتماعی‌وتثبیت‌آنست (اینکه‌خصم برای توجیه‌آنچه که میخواهد کسب نماید دست به توجیه مذهبی میزند ما را به اختلاف درعقیدصرف بیندازد.)سردمداران جبهه را بنگرید. همه از یاران نزدیک‌پیامبرند،

بقیه در صفحه ۳

مازاد بر احتیاج را چگونه میگیرند

مباحث ایدئولوژیک

دکتر پیمان ۹

ـ حشر ۹-۷ آنچه خدا از اهل شهر ما بر پیامبرش ارزانی داشت، پس از آن خدا و رسول و نزدیکان و یتیمان و بینوایان و درماندگان از راه است تا بین توانگران شما دست بدست نگردد. و آنچه پیغمبر بر شما داد بگیرید و از آنچه نهی کرد، باز ایستید و از خدا بپرهزید که خدا سخت عقوبت است، برای بینوایان از مهاجرین دست، کسانی که از خانه و خواسته‌های خود در جستجوی فضل از جانب خدا و خوشنودی از خانه و خواسته‌های خود خارج شدند، خدا و رسولش را یاری می‌کنند. آنان صادق‌اند و آنانکه قبل از ایشان در خانه و ایمان جایگزین شدند هر کس را بسوی آنها هجرت کند دوست دارند. و در سینه‌های خود حاجتی نسبت بداآنچه داده شدند، نیافته آنها را بر خود ترجیح دهند، هر چند خود محتاج و نیازمند بدان باشند و کسی که خود را از بخل نگاهدارد پس آنان رستگار و پیروزاند.)

مازاد بر احتیاج را چگونه می‌گیرند؟

در قرآن دو آیه درباره مسئله مازاد هست، یکی در سوره بقره و دیگری در اعراف در آیه سوره بقره چنین آمده است. «یسئلونک عن الخمر و المیسر قل فیها اثم کبیر و منافع للناس و اثمهما اکبر من نفعهما ـ ویسئلونک ماذا ینفقونَ. قل العفو ـ کذلک یبّن اللهُ لکم آلایاتِ لعلّکم تتفکّرون ـ بقره ۲۱۹ از تو درباره شراب و قمار سؤال می‌کنند ـ بگو در آنها گناهی بزرگ و منافعی برای مردم است و گناه آنها بزرگتر از نفع آنست و از تو می‌پرسند چه چیزی را انفاق کنند ـ بگو مازاد را اینگونه خدا نشانه‌ها را برای شما بیان می‌کند. شاید تفکّر کنید. و در سوره اعراف می‌خوانیم: «خذ العفو و امر بالعرفَ و اعرض عن الجاهلین» اعراف ۱۹۹ مازاد را بگیر و امر به خوبی کن و از جاهلان دوری گزین ـ

در برخورد اول چنین بنظر می‌رسد که تناقضی وجود دارد در یک طرف دستور اخذ مازاد می‌دهد و از طرف دیگر آنرا مشمول انفاق که امری اختیاری است قرار می‌دهد.

بقیه در صفحه ۲

اطلاعیه

تنها منبع مالی نشریه امت، شما برادران و خواهران هوادار و خوانندگان محترم امت می‌باشند، با گرانی کاغذ، چاپ و دیگر وسائلی که باید تهیه شود، انتشار امت آسان نیست و مدتی است که ما در مضیقه مالی هستیم. در این شرایط خاص که تنها کمک شما یارای پیشبرد کار ما و تداوم انتشار نشریه است، از این شماره، بهاء هر شماره را ۱۵ ریال اختیار کرده‌ایم. بار دیگر تذکر میدهیم که پرداخت‌های مالی خود را هر چه زودتر ارسال دارید.

شورای نویسندگان

امت

درود بر شهدای ۱۷ شهریور

بقیه از صفحه ۱

دو بحران عمده انقلاب

اگر اربابان آنها گلوی اقتصاد و تولیدات ما را در دستهای نیرومند خود نمی‌فشردند ــ ما با بیکاری و بحران روبرو نمی‌شدیم. اگر صنایع ما برای ادامه حرکت چرخهای خود وابسته بوسایل و ابزار و مواد اولیه و کارشناس خارجی نیازمند نبود ــ پس از انقلاب از حرکت باز نمی‌ایستاد ــ بدیهی است که این مشکلات بدون راه حل نیستند ــ در مقالات قبل در سطور آخر این مقاله ــ اشاراتی به پس راه حلها شده است.

همچنین در بحران اندوهناک کردستان که هر روز دهها نفر از فرزندان مجاهد و رزمنده و از مردم محروم و دلسوخته کردستان را بخاک هلاکت می‌افکند ــ و تخم کینه و دشمنی بین برادران می‌افشاند بدست چه کسانی جز عوامل مزدور دشمن و جهان‌خواران امپریالیست بوجود آمد؟ عناصر مزدوری که آتش این جنگ خانمان‌سوز و دردناک را دامن زدند و خود در پشت سر مردم پاک و ستمزده پنهان‌اند ــ آنها تخم کینه می‌کارند و کشتار و فقر و اسارت درو می‌کنند ــ هر دو فاجعه را امپریالیستها از قبل تدارک می‌دیدند تا انقلاب را زیر فشار بگذارند و از مسیر اصلی و پیروزمند خود منحرف سازند.

درست گفته‌اند که شناختن ریشه‌های درد و علت بیماری ــ نصف درمان است اگر علل اصلی این دو بحران را صریح و بی‌پرده و همانگونه که هست باز شناسیم ــ کار غلبه بر آنها آسان‌تر خواهد بود در غیر اینصورت ــ چه بسا که راه حل غلط خود فاجعه‌ای ببار آورد که درست مقصود دشمنان انقلاب است ــ امپریالیستها از ایجاد مشکلات فوق از دامن زدن به‌جنگ خانگی و برادرکشی و دیگر اختلافات داخلی و از ایجاد بحران اقتصادی و بیکاری ــ هدف خطرناکی را دنبال می‌کنند، آنها انتظار عکس‌العمل غلط از جانب ما دارند و روی عکس‌العمل ما حساب کرده‌اند. آنان چشم امید به‌ضعف‌های ما دوخته‌اند. ضعف‌هایی که موجب می‌شود از اتخاذ راه حل درست عاجز بمانیم و احیاناً کاری کنیم که به‌تحقق آرزوهای آنان کمک کند.

چه عکس‌العمل و راه حلّی از جانب ما می‌تواند بسود دشمن تمام شود و به‌عبارت دیگر امپریالیستها و صهیونیستها و در راس آنها امریکا و مزدورانش امید چه راه حلّی و عکس‌العملی از جانب ما دارند!

ما معتقدیم که امریکا در حال حاضر توانائی لازم برای در هم شکستن فوری قدرت انقلاب را ندارد. زیرا هوشیاری مردم در مورد وابستگان رژیم سابق بقدری است که هرگز اجازه نخواهد داد امثال بختیار قدرت را بدست گیرند.

میلیونها مردم دلیر و از جان گذشته ما آماده‌اند تا آخرین نفر و آخرین قطره خون در دفاع از انقلاب در برابر دشمن شناخته شده مقاومت کنند ــ دشمنی که ماهیت پلید آن بر همه معلوم شده است لااقل در مرحله کنونی کمترین شانس برای کسب قدرت ندارد ــ

ــ قاطعیت را باید در قطع ریشه‌ها و عوامل بحران بکار بریم.

ــ انتظار دشمن آنستکه عناصر صادق و انقلابی از صحنه حذف شوند.

ــ تقویت دولت آن نیست که ضعفها را بپوشانیم و نادیده بگیریم

تبلیغاتی که روی بختیار در محافل امپریالیستی و صهیونیستی می‌شود و تلاش مذبوحانه وی هدف دیگری را دنبال می‌کند.

می‌توان گفت که هدفهای استراتژیک امریکا در مبارزه با انقلاب ایران در این مرحله بیش از آنکه سقاط کردن دولت انقلاب باشد، فشار بر روی آن است. بمنظور آنکه حرکت انقلاب را از مسیر اصلی خود منحرف ساخته و با تقویت مواضع عوامل وابسته، نظیر سرمایه‌داران و مرتجعین و لیبرالها، زمینه را برای وابستگی مجدد اقتصادی و سیاسی برای در جهت منافع خود هموار و مساعد کند.

قصد اربابها اینست که فشاری بیشتر روی انقلاب وارد کنند و نتائج و عکس‌العملهای مورد نظر را جلب کنند. امروز دشمن رسوا شده شانسی برای رسیدن به‌قدرت در ایران ندارند پس هدف ضد انقلاب از این تحریکات و آشوبها و جنگها و بحران اقتصادی چیست؟

قصد امریکا آنستکه ما را تحت فشار این بحرانها و تحریکات در راهی قرار دهد و سیاستهایی را بما تحمیل کند که نتایج آن در دراز مدت بسود او و مصالح تجاوز کارانه‌اش تمام شود. می‌پرسید چگونه؟ خوب دقت کنید!! مسئله بیکاری و بحران اقتصادی را مطرح کنیم؛ ما وارث یک اقتصاد ورشکسته دوران طاغوت هستیم اقتصادی وابسته، عقب‌مانده و با چرخهایی زنگزده و سرمایه‌ای غارت شده و زحمتکشانی استثمار شده ــ برای از بین بردن این مشکلات که به‌تنهائی می‌تواند انقلاب ما را بشکست بکشاند. دو راه اساسی در پیش روی ما گشوده است ــ یکی راه تازه انقلابی که به‌استقلال اقتصادی و سپس شکوفائی و رفاه واقعی می‌انجامد و دیگری راه قدیمی و سازشکارانه که به‌وابستگی مجدد و اسارت و رفاه کاذب ختم می‌شود.

وجود بعضی نقطه‌ضعف‌ها و عوامل در درون و در جبهه انقلاب ــ امپریالیستها را امیدوار می‌سازد که مسئولین ما راه دوم را برگزینند ــ برای این مقصود ما را بیشتر تحت فشار قرار می‌دهند.

آنها امیدوارند که مسئولین امور و بخصوص که فاقد بینش انقلابی هستند و شناخت درستی از عملکرد و امپریالیسم و سیاستهای اقتصادی استعماری ندارند و تور نامرئی سلطه و وابستگی اقتصادی به‌سرمایه‌داران بین‌المللی را نمی‌بینند و یا منافع و مصالح آنان ایجاب می‌کند ــ برای حل مشکلات اقتصادی روشهای معمولی استعماری را پیش گیرند؛ مثلاً بعضی که بگویند آیا برای حل مشکل بیکاری نباید کارخانجات براه بیفتند ــ آیا ثابت نشده که دولت کارفرمای خوبی نیست و اگر تولید را بدست گیرد بجز زیان ببار نمی‌آورد ــ آیا کارگران بیسواد و ناوارد ما می‌توانند اداره کارخانه‌ها و تولید را بدست گیرند؟ نه پس چاره‌ای نیست مگر اینکه از همان مدیران و صاحبان قبلی استفاده کنیم که دلسوزی دارند ــ کار را بدست آنها بسپاریم ــ به‌آنها اطمینان دهیم که بیایند سرمایه‌ها را هم بیاورند و همانند سابق صنایع را اداره کنند.

و باز بگویند برای برگرداندن اوضاع بحال عادی گذشته و بحرکت آوردن چرخهای تولیدی احتیاج به‌لوازم یدک و مواد اولیه و کارشناسان خارجی و حتی سرمایه خارجی داریم ــ و چاره‌ای نیست مگر آنکه مجدداً به‌آنها اجازه دهیم با اطمینان خاطر و بدون نگرانی برگردند و شروع بکار کنند کمبود کالا را با وارد کردن از خارج جبران کنیم و با گرانی و افزایش قیمتها از راه افزودن بر حجم واردات مبارزه کنیم ــ آثار و قرائن پیش گرفتن این روشها از هم اکنون ظاهر شده و بچشم می‌خورد ــ صحبت از بازگرداندن صنایع ملی شده و مصادره شده به‌صاحبان قبلی است صحبت از تصویب قراردادهای تازه تجاری و اقتصادی با سرمایه‌داران غربی است.

از ملی کردن صنایع اظهار پشیمانی می‌شود و از اجرای آن بشدت جلوگیری بعمل می‌آید و کاری می‌کند تا ثابت شود دولت از اداره صنایع عاجز است و چون راه حل دیگری هم نمی‌شناسند بهمان راه حلهای استعماری پناه می‌برند.

این عکس‌العملهائی است که استعمار انتظار دارد و بدان امید بسته است آنها جز منافع اقتصادی چه چیزی می‌خواهند ــ اگر مطمئن شوند که منافع را مانند گذشته بدست می‌آورند برایشان فرق نمی‌کند چه نوع حکومتی در ایران بر سر کار باشد. می‌بینید مسئله بسیار مهم و حساس و خطرناک است باید بدقت هوشیار اقدامات و راه حلهای خود باشیم راه حل قوی بدون تردید ما را به‌وابستگی اقتصادی می‌کشاند و شما خوب می‌دانید که وابستگی اقتصادی جبراً به‌وابستگی سیاسی می‌انجامد. سرنوشت شوم سادات مصر را در نظر داشته باشیم ــ راه حل وی پس از رسیدن به‌قدرت در برابر بحران اقتصادی مصر این بود که مجدداً و بر خلاف سیاست اقتصادی ناصر، به‌سرمایه‌داران داخلی و بخش خصوصی و سرمایه‌داران خارجی پناه برد ــ کار را بدست آنها سپرد و صادقانه هم برای حل مشکلات به‌این اقدامات دست زد. این سیاستها اقتصاد مصر را دگربار وابسته به‌اقتصاد تصمیمات امپریالیستها کرد و بدنبال آن از لحاظ سیاسی هم سادات ناچار راه حل پیشنهادی آنها را دنبال کرد و همین امر او را بی‌آنکه بخواهد و از پیش بداند، در لجن‌زار خیانت به‌ملل عرب بملت مصر و به‌خلق قهرمان فلسطین فرو برد.

امپریالیستها انتظار عکس‌العملها و راه حلهایی از این نوع دارند ــ هوشیار باشیم ــ راه آزادی ما، پناه بردن به‌روشهای گذشته و میدان دادن به‌عناصر سرمایه‌دار و مزدور گذشته نیست در انتهای این راه استقلال و آزادی نیست که وابستگی و اسارت مجدّد است ــ راه ما راه اصیل انقلابی است باید به‌توده‌ها و قدرت خلاّقه آنها اعتماد و تکیه کنیم ــ باید بسوی استقلال و گسستن بندهای وابستگی پیش برویم.

دشمن امید به‌کسانی دوخته است که پیش انقلابی و مکتبی ندارند و به‌توده اعتماد ندارند و راه حلهای انقلابی را مناسب نمی‌دانند و به‌آنها معتقد نیستند. پس دشمن روی ضعف درونی ما حساب می‌کند.

باید با سرعت بر این ضعف غلبه کنیم ــ غلبه بر مشکلات اقتصادی راه حلّی انقلابی و مکتبی دارد بسیج توده‌ها برای احیای کشاورزی برای احیای صنایع بومی و ملی و برای پی‌ریزی صنایع ما در بدون وابستگی در این راه اولویت دادن به‌تأمین احتیاجات اساسی و حوائج ضروری و عمومی و محروم ماندن از کالاها و چیزهائی که ضرورت فوری ندارند ــ اعتماد به‌توده‌ها ــ زحمتکشان در کارخانجات و در روستاها شرط موفقیت است ــ بر خلاف نظر شما هر جا کار بدست کارگران و مدیران دلسوز سپرده شده است تولید نسبت به‌قبل افزایش محسوس داشته ــ این حرف را مستند بارقام و اطلاعات درست می‌زنیم ــ برای احیای کشاورزی چاره‌ای نیست جز آزاد کردن دهقان از زنجیر مالکیتهای فئودالی. شما می‌خواهید دست به‌ترکیب مناسبات کهنه نزنید ــ مالکانی که دهها هزار هکتار اراضی را در رژیم گذشته بمالکیت خود درآورده دهقان را استثمار می‌کنند محترم و در امان بمانند ــ سرمایه‌داران بجای خود برگردند آنوقت کشاورزی و صنعت احیا میشود و به‌استقلال و آزادی برسیم! نه امکان ندارد اقدام قاطع در حذف مالکیتهای فئودالی برای بسیج دهقانان در احیای کشاورزی و حذف مالکیتهای صنعتی برای بسیج کارگران در احیای صنایع و تولیدات صنعتی و این نوع اقدامات انقلابی برای بسیج همه خلق در مقابله با توطئه‌های امپریالیسم و ضد انقلاب ضروری است.

این اقدامات زمینه عینی اتحاد و همکاری همه نیروهای انقلابی مسلمان در این شرایط حساس است ــ در زمینه مقابله با بحران کردستان هم دو نوع راه حل وجود دارد یکی استفاده از شیوه‌های گذشته یعنی سرکوب چشم بسته خلق که دلخواه امپریالیسم و مزدوران داخلی آن است و دیگری جلب اعتماد و همکاری مردم و اتحاد با آنان برای نابود کردن و محو مزدوران و جنایتگران یکی اتکاء صرف به‌نیروهای نظامی و مبارزه با معلول‌ها، دیگری اتکاء به‌مردم و مبارزه با ریشه‌ها و عوامل ایجاد کننده بحران در لزوم قاطعیت در عمل کسی تردید ندارد ــ اما باید قاطعیت را در قطع ریشه‌ها و عوامل بحران بکار بریم و اجازه ندهیم خدای ناکرده عناصر غیرمسئول و یا مغرض از آن سوءاستفاده کرده به‌زیان انقلاب، و خلق بکار برند چنانکه در این لحظات حساس و برای غلبه بر بحرانهای موجود به‌همکاری و همراهی همه انقلابیون نیازمند هستیم.

انتظار دشمن آنستکه عناصر صادق و انقلابی از صحنه حذف شوند و مسئولیت‌ها دربست در دستهای افرادی متمرکز شود که مکتبی و انقلابی عمل نمی‌کنند.

ما نباید ضعف درونی دولت یا دیگر ارگانهای مسئول را یا تضعیف دولت مشتبه کنیم ــ تضعیف دولت چنانکه رهبر انقلاب و آیت‌الله طالقانی بارها خاطرنشان کرده‌اند غلط است اما صحبت ما در جهت تضعیف دولت نیست بحث از ضعف درونی و ذاتی دستگاهها و مسئولین است. تقویت دولت آن نیست که ضعفها را بپوشانیم و نادیده بگیریم و اگر راه غلطی پیش گرفت تحسین کنیم ــ آن برخورد اسلامی و مسئولانه نیست انتقاد سازنده را همه تایید کرده‌اند اگر دولت بر ضعفهای گفته شده که در بینش و ساخت و در عملکرد کلی اوست غلبه نکند قادر به‌ایفای نقش تاریخی خود در حل بحرانهای کنونی نخواهد بود.

دولت باید انقلابی شود ــ با راه حلهای کهنه سرمایه‌داری و استعماری بکلی وداع کند به‌میلیونها مردمی که در هر لحظه آماده جانبازی و فداکاری هستند اعتماد کند و با طرحهای انقلابی و بهمّت والای خلق مسلمان و دلیر و انقلابی و با جلب همکاری همه عناصر انقلابی و نیروهای مبارز مسلمان و همراهی همه کسانی که صادقانه خواهان آزادی و استقلال و حفظ جمهوری اسلامی هستند ــ با مشکلات کنونی نبرد کند و مطمئن باشد که با سرعتی غیرقابل انتظار چرخهای انقلاب در مسیر درست بحرکت خواهد افتاد.

در غیر اینصورت ممکن است بحران موقتاً خاموش شود و غائله‌ها بخوابد و رونق کاذب اقتصادی وجود آید اما با چه تضمینی؟ جهت دور شدن از مسیر زادی، استقلال و جامعه توحیدی خالی از استثمار و طبقات ستمگر: امیدواریم که همه مسئولین دلسوز و همه نیروهای مسئول متحداً اجازه چنین خطهای جبران ابذیری را ندهند.

والسلام

بقیه از صفحه ۱

مازاد براحتیاج ....

وقتی صحبت از انفاق و صرفنظر کردن آزادانه از مازاد بر احتیاج می‌شود ــ منکران اسلام ایراد می‌گیرند که این قانون ضمانت اجرا ندارد ــ اگر کسی نخواست نمی‌دهد در نتیجه ثروت اضافی هم‌چنان انباشته نزد بعضی اشخاص باقی می‌ماند و محرومان به‌حق خود نمی‌رسند.

در پاسخ این ایراد چنانکه در جای دیگر گفتم، منتقدان توجه ندارند که هدف اصلی اسلام پرورش انسان و ایجاد فرصت و زمینه برای تکامل شخصیت انسانی اوست کسیکه مازاد بر احتیاج را احتکار و ذخیره می‌کند و حاضر نیست آنرا به‌محتاجان بدهد ــ شخصیت انسانی او اسیر تمایلات و علائق خودپرستانه است و امکان تکامل ندارد. حال اگر مازاد را به‌اجبار از وی اخذ کنند. سودی بحال او نخواهد داشت ــ بعضی علائق او نسبت به‌مال و ثروت و روحیه خودپرستانه وی از بین نمی‌رود ــ مازاد را گرفته‌اند امّا شخصیت خودخواهانه وی تغییر نکرده است. ولی اگر شخصاً مازاد را انفاق کند، معنایش اینستکه علائق خودخواهانه و انحصارگری پیشین را قطع کرده و به‌روحیه گذشت و برادری و برابری مجهز گردیده است. از این رو انفاق یک عامل اساسی در پرورش شخصیّت انسانی افراد است. عاملی که به‌افراد فرصت و امکان می‌دهد تا روی ایمان به‌ارزشهای بالاتر و هدفهای متعالی از ما یملکی که نتیجه کار شخص اوست بخاطر دیگران صرفنظر کند از طرف دیگر این اشکال باقی است که اگر جامعه دچار کمبود باشد و بسیاری مردم قادر به‌تأمین مایحتاج اساسی و اولیه خود نباشند و در همانحال بعضی مازاد بر احتیاج داشته باشند و نخواهند آنها را انفاق کنند، تکلیف چیست؟ آیا باید آنان را بحال خود رها کرد که احتکار یا اسراف کنند و یا مال و وسیله اضافی را وسیله تسلط و استثمار دیگران قرار دهند و محرومان را مزدور و اسیر و برده خود سازند؟

اسلام در این شرایط دستور اخذ مازاد را می‌دهد ــ شرایطی شبیه آنچه در آغاز هجرت مسلمانان بمدینه در این شهر حاکم بود عرضه کالا و نیازمندیهای زندگی کمتر از تقاضای جامعه بود لذا پیامبر به‌تبعیت از وحی الهی، از انصار می‌خواهد تا هر چه مازاد دارند بهبرادران مؤمن خود ببخشند.

در این موقعیت صرفنظر کردن از مازاد بر احتیاج جنبه دستوری پیدا می‌کند. ولا یَأتَلِ اولو الفضل منکم و السّعه أن یُؤتوا اولی القربی و المساکین و المهاجرین فی سبیلِ اللهِ و لْیعفو و لْیصْفَحوا الاّ تحبّونَ أن یغفر الله لَکُم والله غفور رحیم ــ نور ۲۲»

صاحبان زیارت و گشاده‌دستان شما از بخشیدن به‌نزدیکان، بینوایان و مهاجران در راه خدا، کوتاهی نکنند. باید از زیادی بگذرند و صرفنظر کنند ــ آیا دوست ندارید که خدا شما را ببخشاید ــ خدا آمرزنده مهربان است)

... ولا تَنسوا الفضلَ بینکم، بقره ۲۳۷ ــ از دادن زیادی بیکدیگر غفلت نکنید.

آنگاه به‌کسانی که زیادت را که خداوند به‌آنها داده است انفاق نمی‌کنند هشدار و اندرز می‌دهد از عواقب شوم بخل و خودخواهی و سرانجام دردناکی که در انتظار این نوع اشخاص است. این معنا را می‌شکافد که این اشخاص تصور نکنند با نگاهداری مازاد به‌آینده خود کمک می‌کنند و خیر و خوشی و سعادت برای خویش ذخیره می‌نمایند ــ بعکس آنچه بدین نیّت نگاهدارند. عامل شرّی خواهد شد که سرنوشت آنان را تباه، و حلقه اسارتی بر گردنشان می‌گردد.

«لا یحسبّن الذین یبخلون بما اتیهُم اللهُ من فضلِهِ هو خیراً بل هو شرّ لهم سَیطوقّون ما بخلوا بهیوم القیامهِ و لَلّه میراث السموات والارضِ واللهُ بما تعلمون خبیر آل عمران ۱۸۰»

کسانی که از اعطای آنچه خدا از فضل خویش به‌آنان داده بخل می‌ورزند، تصور نکنند به‌نفع آنهاست، بلکه شرّی است برای آنان، (زیرا) آنچه را (در مردم) بخل ورزیدند در روز قیامت برگرد نشان حلقه شود (بدانید) که میراث آسمانها و زمین از آن خداست و خدا آنچه می‌کنید آگاه است)

آوردن اصل جهان شمول خدا مالکی در آخر آیه برای آنستکه نشان دهد ــ آنچه در اختیار شماست از نعمتهای خدادادی و از محصول کارتان در ملکیت مطلق شما نیست که بهر نحو خواستید رفتار کنید ــ ببخشید یا نگاهدارید، اسراف کنید یا احتکار نمایند ــ بلکه همه آنها متعلق به‌خدا و برسم امانت نزد شماست پس بر شماست که پس از رفع احتیاج امانت خدایی را به‌صاحبان آن که مردم باشند باز گردانید الذین یبخلون و یأمرون الناسَ بالبُخل و یکتمون ما أتیهُمُ اللهُ مِنْ فضیله و اعتدنا للکافرین عذاباً مهینا نساء ۳۷

کسانی که خود بخل می‌ورزند و مردم را هم به‌بخل ورزیدن امر می‌کنند و آنچه را خدا از فضل خود به‌آنها داده مخفی می‌نمایند ــ و ما برای کافرین عذابی خوار کننده تدارک دیده‌ایم و در وصف کسانی که عهد و میثاق خدایی را نسبت به‌اعطای مازاد شکسته و پشت سر انداختند چنین می‌فرماید:

مِنهم من عاهد الله لئن اتینا من فضله لنصّدّ قُن و لنکو نن من الصالحین ــ فلّما أتاهم من فضله بَخلوا بِهِ و تولوا و هم معرضون ــ توبه ۷۵-۷۶

و از انسان کسانی که با خدا ایمان بستند که اگر از فضل خویش به ما داد ــ صدقه دهیم و از صالحان شویم ــ امّا چون از فضل خویش به آنها داد ــ بخل ورزید و به‌آن پشت کردند و روی گردان شدند.

آیات در روایات فوق حقایق زیر را ثابت می‌کنند:

۱) اموال و دارائی که شخص با تلاش و کوشش بدست می‌آورد یا از منابع طبیعی حیازت می‌کند، چون امانتی نزد اوست.

۲) حق وی از این امانت در حدود احتیاجات اولیه و اساسی است.

۳) اگر کسی مازاد بر احتیاج بدست آورد، باید انفاق کند و به‌برادران خود ببخشد و از این راه به تکامل شخصیت خود کمک کند.

۴) اگر جامعه دچار کمبود و مردم نیازمند باشند و آنان که درآمد یا لوازم و مال اضافی دارند، از بخشیدن و انفاق آن خودداری کنند. مال اضافی از آنها به‌نفع جامعه و نیازمندان اخذ می‌شود.

۵) انفاق و صدقه شامل مال و کالایی اضافی است که شخص با کار خود بدست می‌آورد.

مسلمانان مدینه و محصول اضافی

تحت تأثیر تعلیمات پیامبر و فرامین خدا و تربیتی که مسلمانان نخستین کسب کردند ــ تفکّرات و علائق دوران جاهلی و نظام طبقاتی بکلی از میان رفت. سودجوئی که هدف اصلی فعالیت اقتصادی بود جای خود را به‌خیرخواهی و کمک به‌نوع و عمل صالح داد ــ روح برادری و اشتراک جای علائق مالکانه و انحصارطلبی را گرفت ــ حالت اختصاصی بودن اموال و دارایی‌ها، بشکلی که در گذشته بود، تغییر کرد و پیامبر نیز در این باره دستورات مشخصی صادر فرمود: از جمله؛ مردم در استفاده از محصول و میوه مزارع و باغات افراد، در حین عبور و در حدّ رفع نیاز شخصی آزاد بودند:

«رسول خدا مردم را از کشیدن دیوار در اطراف باغهای مدینه نهی فرمود تا رهگذران بتوانند استفاده کنند و هر وقت میوه نخل ما می‌رسید دستور می‌داد دیوارهای باغات را خراب کنند»

اسناد متعدد وجود دارد که بر طبق آنها مردم اجازه داشتند حین عبور، از محصول باغات استفاده کنند بشرطی که با خود نبرند و ضایع نکنند. پیامبر شخصاً دستور می‌داد در موسم میوه دیوارهای باغات را خراب یا سوراخ کنند تا عابرین بتوانند از میوه‌ها استفاده کنند. شخصی از امام صادق سؤال می‌کند. «از باغ میوه‌ای گذر کنم و بخورم، اشکالی ندارد؟ فرمود بخور اما با خود نبر، گفتم میوه اضافی را تجّار می‌فروشند و اموالشان را به‌پول نقد تبدیل می‌کنند، فرمود چیزی را می‌فروشند که به‌آنها تعلق ندارد[۳۵]» از این روایت معلوم می‌شود که در محصول سهمی برای مردم هست که حق دارند استفاده کنند و صاحب مال نمی‌تواند و نباید مردم را از آن منع کند و برای بدست آوردن پول بیشتر بفروش رساند.

روایات متعدد هست که به‌عابرین اجازه داده شده به‌باغات وارد شوند و به‌اندازه احتیاج بخورند بی‌آنکه محصول را ضایع و یا چیزی از آن با خود حمل کنند و برای ابتکار احتیاجی به‌اجازه گرفتن از صاحب باغ ندارند.

بخشیدن سهمی از محصول به‌مردم در اصل مستند به‌این آیه از قرآن است که می‌فرماید «و هو الذّی انشَا جنّاتٍ معروشاتٍ و غیر معروشاتٍ و النّخل و الزّارع مختلفاً اُکُلهُ و الزّیتون و الرمانَ متشابهاً و غیر متشابهٍ کُلوا من ثمرِه اذا اثمر و أتوا حقّهُ یَوم حصادِه ولا تسرفوا انّاه لایحّب لمسرفین» انعام ۱۴۱ و او کسی است که باغهای افراشته و غیر افراشته و نخل و کشتزار با میوه‌های مختلف و زیتون و انار، همانند و ناهمانند پدید آورد، از میوه آن هنگام ثمر دادن، بخورید و اسراف نکنید. که از مسرفین را دوست ندارد»

به‌پیروی از این دستور مسلمین قسمت عمده محصول خود را به‌مردم می‌بخشیدند امام صادق تا ۱/۱۰ محصول مزرعه خود را به مردم می‌داد[۳۶]. بعضی در این زمینه راه افراط می‌پیمودند، چنانکه یکی از انصار تمامی محصول خود را انفاق می‌کند و برای خود و خانواده چیزی نگاه نمی‌داشت بطوریکه امام عمل او را اسراف می‌داند.

انصار ــ مسلمین مدینه ــ تحت تأثیر تربیت

بقیه در صفحه ۵

تا برقراری جامعه بی‌طبقه توحیدی نهضت ادامه دارد

بقیه از صفحه ۱

خطرات ضد انقلاب

این مسئله را به عینه در سایر انقلابات بزرگ مثل انقلاب کبیر روسیه، چین و . . . می‌بینیم. عناصر و گروههای فرصت‌طلب، منزوی، سودجو، رند با پنهان شدن در پشت ماسک انقلابی خود را در جبهه انقلاب جا زده و حتی در مواردی از انقلابیون اصیل، چپ‌تر می‌نمایاند و انقلابی‌تر از انقلابیون حرکت میکند. ولی دقیقاً" در موقعیت حساب شده ضربه را می‌زند. درصدر اسلام این تجربه شد و دیدیم که چگونه زمینه‌های حکومت بنی‌امیه و تسلط چندین ساله آنان وبدنبالش استیلای بنی‌عباس برسرزمین‌های اسلامی با ماسک اسلام مهیا شد. بعد از لنین، استالین بقدرت می‌رسد. بعد از مائو، هوا، و بعد از . . . . می‌بینیم همان مسائل تکرار میشود. می‌بینیم که چگونه جریانات و عناصریکه خود را وفادار به رهبر انقلاب و ادامه‌دهنده راه رهبری انقلاب قلمداد میکنند بعد از بقدرت رسیدن، زمینه‌های رشد ارتجاع و تضعیف قدرت واقعی انقلاب را آماده میکنند. تا ارتجاع بطور کامل حاکمیت را دردست بگیرند. و از آنجائیکه از محتوای انقلابی تهی هستند وقادر نیستند درجهت حاکمیت محرومین و مستضعفین حرکت نمایند با طرح شعارهای انحرافی وعمده‌کردن آن عملاً "از مسیر انقلاب خارج میشوند. امروزه می‌بینیم ارتجاع و فرصت ـ طلبان که بشدت با فقر محتوای انقلابی دست بگریبانند با طرح شعارهای مرگ‌بر ـ کمونیسم وعمده‌کردن کمونیسم و کمونیست‌ها بعنوان دشمنان اصلی انقلاب، عمدتاً" اذهان ناآگاه را بمبارزه با دشمن موهوم و خیالی که خود بزرگ کرده‌اند وامیدارند، و بدین‌ترتیب خطر اصلی و عمده یعنی امپریالیسم غارتگر را بدست فراموشی میسپارند و از آنجائیکه ناچار به تکیه برامپریالیسم برای حفظ موقعیتی که بادآورده است دست به طرح چنین شعارهائی می‌زند. امروزه ارتجاع نه‌تنها با طرح شعار مرگ برکمونیسم و عمده‌کردن آن، امپریالیسم را از تیررس حملات انقلابیون کنار میکشد بلکه با تحریک وتهییج توده‌های ناآگاه عرصه‌را برانقلابیون اصیل اسلامی تنگ میکند. می‌بینیم که چگونه انقلابیون مسلمان و اصیل را که پرچمدار شعار انقلابی "جامعه بی‌طبقه توحیدی" "محو سرمایه‌داری" و . . . هستند بدلیل اینکه کمونیست‌ها نیز چنین شعارهائی مطرح میکنند با برچسب التقاطی، مارکسیست و . . . می‌کوبند و عملاً "درتیررس نیروهای ارتجاعی و حتی بظاهر مترقی قرار میدهند تا بدینوسیله با انزوای آنان خیال خودرا راحت‌کرده و یکه و تنها میدان‌داری نمایند. این مسئله‌در شرایط فعلی انقلاب از خطرات عمدهٔ دیگری است که انقلاب را تهدید میکند و این دقیقاً" همان چیزی است که امپریالیسم آرزویش را میکند.

می‌بینیم درصدر اسلام چگونه خوارج با طرح شعارهای بظاهر اسلامی، عرصه را بر رادمردی چون علی (ع) تنگ میکنند. در نهایت عملکردشان درخدمت دشمن خارجی یعنی معاویه قرار میگیرد و زمینه را برای استحکام بخشیدن به‌موقعیت معاویه هموارتر میسازد. و عرصه بر علی و جبهه اصیل انقلاب تنگ‌تر و تنگ‌تر میشود.

بطور کلی با بررسی تاریخ به‌این نتیجه می‌توان رسید که ضدانقلاب و نیروهای ارتجاعی از اطرافیان و یاران نزدیک‌کادر رهبری انقلاب و با بقدرت رسیدن خود انقلاب‌را از مسیر اصلی آن منحرف میسازند و نیروها و عناصر انقلابی‌را طرد می‌نمایند وزمینه‌های فعالیت آنان‌را محدود ومحدودتر می‌نمایند.

بنابراین می‌بینیم که خطر عوامل داخلی تا کجاست. اینکه عوامل ونیروهای داخلی‌را عمده میگیریم بدان معنا نیست که نیروهای مخالف خارجی را ندیده می‌گیریم. البته دقیقاً" بها دادن به عوامل داخلی از این جهت است که امپریالیسم وخصم خارجی با تکیه برپایگاههای داخلی و عوامل وابسته خود فعالیت میکند یعنی خطر خارجی به اتکای عوامل درونی است که عمل میکند دقیقاً" از همین زاویه دید است که امروزه ارتجاع و سرمایه‌داری وابسته که از عمده‌ترین پایگاهها و تکیه‌گاههای امپریالیسم هستند برای انقلاب مضر و خطرناکند بدون خلع ید از سرمایه‌داری وابسته و نابودی کامل ارتجاع هرگز نمیتوان نفوذ امپریالیسم را از بین برد. چرا که امپریالیسم هرگز بعنوان یک پدیده مشخص در صحنه حضور ندارد. بلکه با نفوذ در نهادها و بنیادهای اقتصادی سیاسی و فرهنگی. آنهم از طریق عوامل وابسته‌اش است که حضور خود را درصحنه حفظ میکند. بدون قطع کامل ریشه‌های ارتجاع و سرمایه‌داری وابسته‌در نهادهای اجتماعی ـ سیاسی و اقتصادی. استقلال وآزادی‌ورهایی‌از تسلط امپریالیسم بی‌معنی است. بنابراین بخودنیائیم و ضرورتهای اساسی‌را درک بکنیم و نیروها را بیخودی هدرندهیم واین برتوده محروم و مستضعف است که با جهت‌گیری انقلابی خود نوک تیز ـ پیکان مبارزه را متوجه جبهه اصلی ضد ـ انقلاب یعنی ارتجاع و سرمایه‌داری‌وابسته برای قطع نفوذ امپریالیسم غارتگر، بنماید.

(صمد ـ ج)

بقیه از صفحه ۱

خدا، خون، پیام

فرمانده‌ات جلاد است، بگوری چشم شاه ارتش برادر ماست و هیهات که این برادر.....!

دور تا دور میدان محاصره بود در درجه اول خنده‌ات میگرفت از صحنه‌ای که ایجاد شده بود. و خانه حامله‌ای آرام‌آرام میرفت و زنی بچه بغل جوانی با کفش‌های کتانی و ریش کمرنگ و پیرمردی عصا زنان و سیل زنان و دختران جوانی که بسمت میدان با شتاب در حرکت بودند و دو تیپ که بیش از همه بچشم میخورد. پسران جوان و دختران جوان و «جوانی» عامل مشترک این دو تیپ اصلی و عامل اصلی انقلابمان ـ اصلاً این خنده و شوخی با آن خشم ارتش و توپ و تانک جور در نمی‌آمد مردم خالص و اصیل و شجاع بودند و خیل ارتشیان که مرتب به‌آنها می‌گفتند دور شوید دور شوید و از تجمع بپرهیزید آیا رژیم آنقدر بی‌شعور بود که برای جلوگیری از کشتار نمی‌توانست راهها را ببندد بلکه گذاشت مردم بیایند و جمع شوند و آنوقت.... نه این از بی‌شعوری‌اش نبود بلکه قصد داشت «۱۵ خردادی دیگر بیافریند که بخیالش چند هزار تایی میکشد و تمام میشود. کُشت اما تمام نشد این مردم فرق میکردند آنها باین آسانی نمی‌توانستند حریف این نجابت و صلابت توده شوند. اینبار مردم سعی کردند فریب نخورند و نخوردند تا.....!

مردم جمع شدند میدان مملو از جمعیت شد. هلی‌کوپترها بالای سر جمعیت پرواز می‌کرد. مردم آرام بودند کوچکترین شعاری نمی‌دادند قصد حرکت کردند ارتش جلویشان را گرفت فرمانده‌هان دستور میدادند، امّا تعدادی از سربازان مردم را التماس میکردند.» خواهر فدایت شوم برو ناپیست» «برادر جان حرکت کن دور شو» اما مردم در جواب برادر جان گفتنشان جان برادر گفتند و مثل کوه ایستادند. و حماسه آفریدند حماسه‌هایی که داستانهای فردوسی در برابرش بچه‌گانه می‌ماند!

مردم در سکوت ایستاده بودند شعارها از جلو می‌آمد. بنشینید نشستند عده‌ای مشکوک را چهار طرف میدان میدیدیم که «مرگ بر شاه» می‌گفتند و میگریختند و سعی در خشمگین‌تر کردن ارتش داشتند و دادن بهانه به‌ارتشیان و مردم با سکوتشان این بهانه را از ارتش میگرفتند. از جلو شعار رسید ـ «الله‌اکبر ـ لااله الاالله» مردم ایستادند که حرکت کنند ارتش محاصره را تنگ‌تر کرد خواهران به برادرانشان گفتند اجازه دهید، ما صف جلو بایستیم بلکه از مظلومیتمان شرم کنند. هر چه باشد ما خواهران آنانیم و آنان برادر ..... هنوز کلام آخر بدرستی ادا نشده بود که صدای شلیک گلوله بلند می‌شود فرمانده‌ای دستور حمله میدهد سرباز، شرش میآید آخر به که بزند نگاهی به‌دور میدان می‌کند به‌بچه معصومی که در دامان مادر خوابش برده و فریاد تکبیر مادر چون لالایی در گوشش می‌نشیند یا به خواهری که شور جوانی چون دو گل سرخ بر گونه‌اش نشسته و

شرم‌گینانه بروش لبخند می‌زند. فرمانده فریاد می‌زند آتش. افسر بروی که بگشاید خواهرش ـ مادرش ـ برادرش نمی‌تواند ـ خشمش را چون تمامی انسانهای تاریخ با «نه» نشان میدهد ـ عصیان می‌کند از قالب و لباس ارتشی بیرون می‌آید از شکل یک وسیله خارج میشود و «نه» می‌گوید و انسان می‌شود لوله اسلحه را بسمت فرمانده می‌گیرد کسی که یا و نه بشکل یک انسان بلکه صرفاً بشکل وسیله می‌نگرد اما درنگ می‌کند از او می‌خواهد که فرمانش را پس بگیرد اما افسر او آنچنان غرق فرماندهی است که صمم‌یکم شده است و بناچار «لایرحمون» و سرباز فرمانده‌اش را با تیر می‌زند و بعد خودش را می‌کشد و به‌ابدیت می‌پیوند و از آن پس این سرود بر لب مردمان تا آخرین لحظه نقش می‌بندد ای سرباز ای سرباز فراری، حُرِّ زمان مایی، ای سرباز.... بهر حال جنگ شروع می‌شود، ارتشی غرق در سلاح و مردمی که حتیٰ سنگ هم ندارند از خودشان دفاع کنند. مظلومیتی دیگر در تاریخ شکل می‌گیرد مردم تنها سلاحی که دارند خون است و از این بخوبی استفاده می‌کنند تا بدانجا که خون بر شمشیر پیروز میشود گلوله‌ها را جان می‌خرند باور نمی‌کنی برادر ـ خواهری که سعادت دیدن آن صحنه را نداشتی این گلوله نبود که بسمت مردم نشانه‌گیری میشد بلکه این مردم بودند که گلوله‌ها را از یکدیگر می‌قاپیدند هر تیری شلیک میشد کسی خود را بروی دیگری می‌انداخت که گلوله به‌او بخورد چگونه می‌توان در قالب تحلیل‌های خشک سیاسی چنین شکوه و حماسه‌ای را گنجاند. خدایا کلام چقدر حقیر است هر چه می‌کنم نمی‌توان آن روز را توصیف کرد. قلم التماس می‌کند که ننویس بگذار همچنان آنروز در اوج احساس باشد که اگر احساس را بصورت کلام درآوری نازلش کرده‌ای.

و از طرفی وظیفه وادارم می‌کند که نگذارم آن روز فراموش شود. باید چون اسطورهٔ چین از گودال قتلگاه هر سال و هر هفدهٔ شهریور از میدان شهدا خون بجوشد...

خدایا مسلمانی چیست در آن دم آخر مردم شهادت را بهم تبریک می‌گفتند و حتیٰ ادای شهادتین را به‌جوانان می‌آموختند. زن میانه سالی پسر خواهر جوانی را بر دامن گرفته بود و بر او حمد تلاوت می‌کرد و پسر جوانی کفش‌هایش را با پیرمردی عوض می‌کرد تا او بتواند بگریزد و خودسرو پا برهنه و از سر شوق چند قدمی بسمت ارتش رفت و پیراهن درید و گفت بزن من آماده‌ام و چند لحظه بعد پیکر مطهرش کف میدان شهدا را تطهیر کرد و خون سرخش به‌چهره دژخیم پاشید نمی‌دانی برادر که برادرهامان چه زنجیری با دستهاشان بسته بودند. میدانی خواهر تمامی ارزشها میرفت تا دگرگونه شود همانکه تو تا مدتی قبل جرعت نمی‌کردی از کنارش رد شوی و امکان نداشت بدون مستلک بگذرد حالا از برادر هم خونت سرایت مهربانتر شده بود ارزشهای اصلی را یافته و بدنبالش در حرکت بود.

خیابانهای تهران که از آن بوی دزدی و تعفن می‌آمد حالا با خون شهیدانمان مطهّر میشد پاک می‌شد رنگ و بوی خون شهید می‌گرفت دلت نمی‌آمد که با کفش برخیابان قدم بگذاری دلت می‌خواست این خیابانها را با اشک چشم بشویی و با نسوک مژگان بروبی. گویی خدا هم تمامی رحمانیت و رحیمیش را به‌پای مردم می‌ریخت همای شهادت بسر هر که می‌نشست او را به سعادت عبدی ره می‌نمود دختری در تهران‌نو سوار بر تاکسی‌باری شد و مردم را گرد خود جمع کرد برای‌شان چون زینب سخن گفت و با عده‌ای براه افتاد بعد از پانصد متر ارتش بایشان حمله کرد و دخترک الله‌اکبر گویان در خونش غسل کرد خواهر و برادری هدف گلوله واقع شدند خواهر خود را بروی برادر می‌اندازد و شهید میشود. بر روی برادر جان میدهد میتوانی رنج آن برادر را مجسم کنی. بعد هر که از آن میدان جان حقیرش را بدر بُرد پشیمان از این رهایی سراغ سایر دوستانش را میگرفت گویی میخواست شریک جرمی بیابد و هر که دوستش شهید بود بخدا قسم که رنگ حسادت را در چشمانش بخوبی میتوانستی ببینی، حماسه‌ای دیگر از مکتب و بینش مکتبی ـ او شهید شد. خدایا مگر من چه کرده بودم که سعادت شهادت نداشتم؟

این سئوال هر آدم جان بدر برده‌ای از میدان بود که از خود میکرد و خود را به‌باز خواست می‌کشاند و دست آخر که نه آغازی دیگر.....! بهشت‌زهرا بود که تمام دارالشهدا بخود گرفته بود.

جنازه‌ها بر سر دست. زنده‌ها برای جبران خطاشان که همان زندگی پس از شهادت بود اجازه نمی‌داد مرده‌شوران حرفه‌ای پیکر شهدا را بشویند و غسل دهند خود می‌شستند و خود غسل میدادند و تابوتها تابوت نبودند حجله‌ای از گل سرخ شهادت بودند که نه با اندوه بلکه رقص‌کنان بسمت آرامگاه که نه گمان نمی‌کنم آن شهدا در جایی آرام گیرند بسمت خانه‌ای دیگر در حرکت بودند خدا می‌داند که تابوت‌ها بر نوک انگشتان بود چرخ‌زنان و سبک و معطر با آوای ملائک با سرور عشق، صحبت از عزا کردن بیهوده است. اگر عزایی هم بود عزا برای زنده ماندن بود نه شهیدو شهادت مردم سرباز شهید را به خاک سپردند مادرش چون زینب بر سر جنازه پسر ایستاد بانگ برآورد مردم بروید پیش ـ پسر من خودشو کشت تا شمارو نکشد مردم ایران شده فلسطین میخوان همین یک تکه خاکو از ما بگیرن...

و بدین‌سان حماسه‌ای آغاز شد که فصلی تازه در تاریخ ایران بجای گذاشت و تجربه تازه‌ای برای دژخیمان، هفدهٔ شهریور درس عبرتی برای رژیم بود و از آن پس گاه بمیخ می‌زند و گاه به‌نعل زمانی شاه را بدانجا می‌کشاند که غلط کردم می‌گوید اما بی‌فایده است و گاه کشتاری براه می‌اندازد آنهم پیرایش کاری نمی‌کند اینستکه امپریالیسم از در دیگر وارد می‌شود...!

تولیدات خارجی و هی ماشین پشت ماشین....

ما از همهٔ خواهران و برادران تقاضا می‌کنیم که با نشان‌دادن قدرت انقلابی و نشان‌دادن ایمان محبت و صمیمیت خودتان در این طرح بهمهٔ دنیا نشان بدهید که ما قابلیم. فقط بشعار نمیشود اکتفا کرد. در عمل قابلیت خودمان را باید نشان بدهیم.

... آن کسانی که اخلال و تحریک می‌کنند و هر وسیله و هر چیزی را وسیلهٔ تحریک و تشنج و شایعه‌سازی دولت می‌کند. همه موظفیم جلوگیری کنیم. نقاثات فی‌العقد. آنها که دائماً میدوند. آن خناسها.

نوشته یك شهید

اگر کشته شدم دستانم را از تابوت بیرون بگذارید تا مردم ببینند همراه خود چیزی نمیبرم.
چشمانم را باز گذارید که بدانند کورکورانه کشته نشدم، برخاکم یخ بگذارید تا بجای مادری که ندارم بر مزارم بگرید.

«نوشته‌ای از جیب یک شهید گمنام ۱۷ شهریور تهران»

بقیه از صفحه ۱

آیت‌الله طالقانی

طالقانی در محوطهٔ دانشگاه تهران و خیابانهای اطراف آن بودیم. آیت‌الله طالقانی در دو خطبه‌ای ضمن تجزیه و تحلیل مسائل روز چنین گفتند:

در هر کار خیری، و در هر عملی که مورد رضایت خداست و برای پیشرفت تعالی فکری و زندگی و اقتصادی مسلمانان است همه با هم باید تعاون داشته باشند. و در آنچه که عصیان است گناه است، تجاوز است باید همه در کنار هم بایستند و علیه عصیان و طغیان یک صف تشکیل بدهند. امروز مهمترین مسئله‌ای که برای همه ما بعد از این «انقلاب پیش‌رس» و برای دولت و ملت ما و همه گروههای مخلص مهم است همین تعاون است. اگر دولت پشتیبانی از ملت نداشته باشد و به‌یاری‌اش نشتابند کاری از او ساخته نیست و همینطور اگر ملت پشتیبانی از دولت و قدرت اجرائی دولت نداشته باشد، کارها قلج است. من نمیخواهم بگویم که دولت از هر جهت کارهایش و روشش مورد تأئید است. ولی از طرف دیگر بعد از این انقلاب بقدری مشکلات که از نزدیک وارد هستیم و همه هم تا حدی میدانید برای دولت در پیش بوده که شاید در هیچ انقلابی اینقدر مشکلات نداشتند آماده نبودن عموم مردم برای سازندگی. نداشتن یک برنامهٔ قبلی که همهٔ اعضاء و گروههای انقلابی آنهائی که در هر کشوری دست به‌انقلاب میزنند قبلاً یک برنامه‌ای مفصل یا مجمل دارند. ولی ما نداشتیم و از جهت دیگر خواه و ناخواه برای حفظ امنیت و حفظ کشور، مسئولین کارها را بدست گرفتند. مانند کمیته‌ها، دادگاههای انقلابی که چاره‌ای هم جز این نبوده و با ضعفی که قوای انتظامی ما داشت و دارد، پلیس داشت و دارد، ژاندارمری ما داشت و دارد، اگر این کمیته‌ها تا حدی استقلال نداشتند و همینطور این فرزندان و برادران از جان گذشته و مجاهد، پاسداران در کارها دخالت نمی‌کردند، اکنون همینقدر ثبات و امنیتی که ما احساس می‌کنیم نداشتیم هر روز درگیری و هر روز کشتار در همهٔ انقلاب‌های دنیا که ملاحظه کنید بعد از انقلاب مدتها کشتار، زدوخورد، روزها، هرروز صدها و هزارها کشته میدادند. این مربوط به‌قدرت رهبری اسلامی و نافذ در قلوب و اندیشه‌های عمومی مردم است چنین امنیتی پیش آورد و از طرف دیگر مسئولیتهائی که کمیته‌ها بدست گرفتند با اینکه البته اشتباهات و لغزشهائی هم پیش آمد و از این جهت من به‌سهم خود تضعیف دولت را بیش از اینکه هست جائز نمیدانم. باید انتقاد بکنم و شما ملت مسلمان متعهد هم همکاری کنید. در اجرای کارها، دولت عبارتست از چند وزیر و عده‌ای کارمند کارمندهائی که شاید اغلب اینها نمی‌توانند درست وظایفشان را انجام بدهند. و قوای مجریه‌ای که هنوز نتوانسته‌اند جا باز کنند. در میان انقلاب، پس کی میماند؟

شما ملت، شما ملت باید همکاری کنید بخصوص با تأئیدی که حضرت آیت‌الله امام خمینی از دولت میکنند در شرایطی که اکنون ما بسر میبریم شرایط بسیار خطیر، دسیسه‌ها از هر سو و تحریکات از داخل و خارج برای از بین بردن این انقلاب ما به‌ثمر نرساندن و آشوب در همه منطقه ایجاد کردن در کار است.... آیت‌الله طالقانی سپس با اشاره به‌اهمیت طرح ترافیک چنین گفتند: عصبانیت‌ها، استهلاک ماشینها، مصرف بنزین‌ها، همین است که استعمار خواسته و عوامل استعمار که ما سرگرم این مسائل جزئی باشیم و بعد هم عصبانیت و بعد هم به‌جان هم بیافتیم و بعد هم مصرف

با خلع‌ید از سرمایه‌داری وابسته امپریالیسم را بزانو در آوریم

آیا شیخ‌الاسلام زاده ازحمایت‌های مؤثری برخوردار نبوده است؟

حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران

اعضای کانون بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی با احساس مسئولیت و دلسوزی نسبت بمصالح انقلاب اسلامی و ضمن اطلاع کامل و دست اول از عملیات زیانبار و اقدامات ناصواب دکتر شیخ‌الاسلام زاده وزیر بهداری طاغوت و ایادی غارتگر و فاسد او طی سالها تسلط بر مجموعه‌ای از بزرگترین و مؤثرترین سازمانهای مملکت بیشتر از هر مقام و مرجعی صلاحیت دارند در مورد سوءاستفاده‌ها و خیانتهای این گروه فاسد و در رأس همهٔ آنان شخص دکتر شیخ‌الاسلام زاده وزیر مورد عنایت و حمایت خانوادهٔ ننگین پهلوی قضاوت کنند و لطمات و خسارات غیر قابل جبران این عناصر ضد بشر و غارتگر، خصوصاً چپاولی را که نسبت به‌بیت‌المال محرومترین و زحمتکش‌ترین اقشار جامعه یعنی صندوق تأمین اجتماعی روا داشتند بدرستی ارزیابی نمایند.

حضرت امام، از مدتها پیش اطالهٔ بازداشت و تأخیر در محاکمه دکتر شیخ‌الاسلام زاده و شایعه روابط او با بعضی از مقامات مؤثر و ذینفوذ در محاکمات انقلابی این نگرانی را برای عموم مردم خصوصاً بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی بوجود آورده بود که موانعی در راه قضاوت انقلابی و اجرای عدالت اسلامی در مورد این عنصر نایاب و مصداق کامل مفسد فی‌الارض ایجاد کرده‌اند. متأسفانه نحوه محاکمه، کیفیت اتهامات خصوصاً تکیه بر مفاسد اخلاقی او و بالاخره صدور رأی نهائی دادگاه انقلاب که بهیچوجه متناسب با سیاهکاریهای این عنصر فاسد و همطراز با آراء صادره در مورد برخی از مجرمین قبلی نبود، نگرانیهای قبلی را تأئید و این سئوال را مطرح میسازد که آیا نامبرده بر خلاف انتظار از وضع خاص و حمایت‌های مؤثری برخوردار نبوده، و این حمایت‌ها موجب آن نشده است که برای تخفیف مجازات او بدلائل و مستندانی توسل جویند که بهیچوجه مورد قبول افکار عمومی قرار نگرفته، بدبینی‌ها و اعتراضاتی را علیه دادگاه بر انگیزد.

حضرت امام دادگاه انقلاب اسلامی با صدور آراء قطعی و منصفانه خود نسبت به‌تبهکاران و دشمنان ملت مسلمان ایران همواره کیفیت قضاوت انقلابی و اجرای عدالت اسلامی را مستجلی ساخته و اعتماد و احترام عمیق ملت ستمدیده و مظلوم را بر انگیخته است. با اینوصف جای تأسف است اگر اجازه داده شود با تثبیت رأی صادره در مورد دکتر شیخ‌الاسلام زاده بمثابه یکی از ناپاک‌ترین و تبهکارترین عوامل حکومت طاغوت و یکی از سر سپردگان امپریالیسم غارتگر آمریکا چهره دادگاه انقلابی، این آئینه تمام نمای عدل اسلامی تیره و تار شود و خدای ناخواسته در افکار عمومی این شائبه قوت پذیرد که در دادگاه انقلاب اسلامی ما نیز بند و بستها و اعمال نفوذهای ناصواب و بسیار زیان‌بخش راه یافته و موانعی در راه اجرای عدالت و صدور احکام انقلابی ایجاد شده است.

حضرت امام هنگامی که استفاده از دانش و تخصص دکتر شیخ‌الاسلام زاده بعنوان دلیل و موجبی برای تخفیف مجازات او در دادگاه مطرح میشود برای عموم مردم خصوصاً ما بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی این نگرانی بوجود آمده است که احباناً محیط بسته زندان آنهم برای ابد فضای مناسبی برای بهره‌گیری از تخصص این عنصر نابکار شناخته نشود و علاوه بر عفو و خروج از چهاردیواری زندان برای تکمیل تخصص، موجبات مسافرت او بخارج از کشور فراهم آید و این جرثمه فساد برای همیشه از چنگال عدالت اسلامی و کیفر قهرآمیزی که حقاً درخور اوست رهائی یابد.

حضرت امام اگر این نگرانی مورد تأئید رهبری انقلاب اسلامی نیز قرار داشته باشند که مجازات دکتر شیخ‌الاسلام زاده، عنصر نایابی که برای تسکین و فریب جامعه در زمان تسلط حکومت پلید طاغوتیان، این مدافعان رذالت و فضیحت بعنوان مظهر فساد بازداشت شد، متناسب با جرائم و پاسخگوی خیانتهای او نیست و اتخاذ چنین تصمیمی درخور دادگاه انقلاب نمیباشد. استدعای بذل عنایت و تجدیدنظر در حکم صادره را دارند.

از طرف فرماندهی با تشکیل شورا مخالفت شد

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

نشریهٔ محترم امت

در رابطه با جریاناتی که در ارتش می‌گذرد، خودم را مسئول می‌دانم که شما را از آنچه اخیراً در مورد من و سایر لیسانس‌های وظیفه در پادگان فرح‌آباد پیش آمد آگاه سازم. در حقیقت این جریان از بُعدی دیگر نمایشگر ماهیت اقداماتی است که در مرحلهٔ کنونی بعنوان بازسازی ارتش صورت می‌گیرد. امسال از حدود بیش از ...۳ مسئول لیسانسیه فقط ۲۲۰ نفر را بقید قرعه بخدمت اعزام کردند که منهم یکی از آنها بودم، با توجه باینکه اکثر دیپلمه‌ها را نیز معاف کردند و از طرف دیگر تمام مشمولان عادی را بخدمت گرفته این توهم پیش آمد که گویا می‌خواهند از انتقال آگاهی انقلابی به پرسنل ارتش که عمدتاً توسط لیسانس‌ها و دیپلمه‌ها صورت می‌گیرد جلوگیری کنند. البته با جریاناتی که بعداً در پادگان مشاهده شد این امر برای من و دوستانم ثابت شد که اصولاً روند بازسازی ارتش در جهت تحکیم همان معیارهای ارتش شاهنشاهی است، چنانکه از ابتدا صریحاً از طرف فرماندهی با تشکیل شورا مخالفت شد و حتی گفته شد که دستور رسیده هر حرکت جمعی در ارتش سرکوب شود. بگذریم از اینکه در عمل شوراها به‌آنها تحمیل شد از طرف دیگر تلاشهائی صورت می‌گرفت تا با استفاده از اختلافات ایدئولوژیک بین ما تفرقه ایجاد شود و با تکیه به‌اینگونه تعصبات بهره‌برداری‌های لازم بشود، مثلاً افراد مشکوکی را جهت سخنرانی دعوت می‌کردند و سخنرانی‌ها تماماً در جهت اهداف فوق ایراد می‌شد و البته در این مورد برخوردهائی هم پیش آمد. واضح بود که روند حاکم و بازسازی ارتش (یعنی احیای نهادهای پیشین) با وجود افرادیکه زیر بار این امر نمی‌رفتند در تضاد بود و این مسله باید بطریقی حل میشد. جریان امر از این قرار بود که ما در انتهای دورهٔ آموزش مقدماتی خواسته‌هائی را که مستند به‌قولهائی بود که قبلاً بما داده بودند به‌فرماندهی ارائه کردیم و تا حدودی هم روی آنها پافشاری کردیم ولی سرانجام بدلیل شرایط خاص موجود از دنبال کردن این خواسته‌ها خودداری کرده آمادهٔ تقسیم شدن در واحدهای مختلف جهت دورهٔ تخصص گشتیم ولی فرماندهٔ پادگان همین موضوع خواسته‌ها را بهانه کرده، پس از آنکه همهٔ ما را در محلی جمع نموده ما را متهم به‌اخلال در ارتش نمود و مارکهای متداول روز یعنی ضدانقلاب و بی‌دین و کمونیست و غیره را بر ما اطلاق کرد و خلاصه پس از یکساعت علت نطق سراسر توهین، حجت را بر ما تمام کرد و گفت هر کس بخواهد می‌تواند تا یکساعت دیگر از پادگان خارج شود و معافی خود را بگیرد، در غیر اینصورت و در صورت ماندن باید به‌اطاعت کورکورانه گردن بنهد، وقتی تهدید کرد که اگر کسی بماند و از دستورات کوچکترین سرپیچی کند وی را بدست خودش خواهد کشت. البته اکثریت دانشجویان یعنی ۱۶۰ نفر از ۲۲۰ نفر تصمیم گرفتند که پادگان را ترک کنند و در حقیقت ما آن توهین‌ها و با شرایطی که مطرح شده بود جای ماندن هم نبود اما مسئله‌ای که مورد اهمیت است اینست که هنوز چند ماه از انقلاب نگذشته اوضاع بگونه‌ایست که فردی که خود در جریان بثمر رسیدن انقلاب اگر نقش منفی نداشته نقش مثبت هم نداشته و حداکثر اگر خیلی شهامت داشته در هنگام قتل‌عام مردم توسط ارتش در گوشهٔ خانه‌اش خزیده بوده است شرایط را چنین می‌بیند که بتواند جوانانی را که بسیاری از آنان در این جنبش نقش فعال داشته‌اند به‌محاکمه بکشد و هرگونه تهمت و افترا به‌آنان به‌بندد و خود را انقلابی و آنان را ضد انقلاب بخواند.

چنین مسائلی است که این نگرانی را تشدید می‌کند که آیا در آینده باز هم ارتش ضدخلقی نخواهیم داشت. البته من در اینجا نمی‌خواهم مسائل شخصی را مطرح کنم و قبلاً فرمانده پادگان را محکوم کنم و یا مارک طاغوتی بر او بزنم (زیرا اولاً در مورد او شناسائی دقیقی ندارم و از این جهت نمی‌توانم قضاوت درستی بکنم و از طرف دیگر وجود افراد مشکوک در پادگان که روی او تأثیر می‌گذاشتند خود قابل توجه است) بلکه مسئله مهم روح حاکم بر سیستم ارتش است که اجازه می‌دهد چنین تمایلاتی محل ظهور داشته باشند.

امضاء محفوظ ۵۸/۵/۲۰

گزارشی از روستای بخشایش

بسم الله

القاصم‌الجبارین

با کمی دقت در برنامهٔ اصلاحات ارضی و نتایج عملکردهای آن پی به‌جنایات رژیم گذشته می‌بریم از جمله اینکه با از بین بردن شرایط زیست در روستاها و تضعیف روحیهٔ روستاها آنها را به‌شهرستانها روانه کرده و روستاها تبدیل به‌خرابه‌هائی بزرگ شده‌اند. از جمله با مهاجرت فصلی روستائیان برای کار در شهرها فرهنگ غلط و سیستم نایاب شهری را به‌روستاها منتقل نموده و شرایط استثمار را فراهم نموده است. روستای بخشایش با تعداد زیادی قالیباف که اکثراً دخترهای جوان مریض هستند نمونه گویای این بهره‌کشی فجیع انسان از انسانهاست.

موقعیت: این روستا در شرق تبریز واقع است که جادهٔ فرعی و خاکی آن از کیلومتر ۸۵ جادهٔ تبریز ــ اهر منشعب و تا خود روستا ۳۰ کیلومتر است که قسمتهایی از جاده فرعی بکلّی از بین رفته است. روستا را دو رودخانهٔ تلخه رود و دیگری یکی از انشعابات آن احاطه کرده منطقه شورهزار است وآب رودخانه‌ها شور و تلخ و غیرقابل استفاده است.

جمعیت: در حدود ۱۸۰۰ خانوار در این روستا زندگی می‌کنند و جمعیت آن در حدود ۱۳۰۰۰ نفر است

سیستم آبرسانی: بخاطر شورزار بودن منطقه هیچگونه آب آشامیدنی در این روستای به‌این بزرگی و پرجمعیت پیدا نمیشود در فصل زمستان و اوایل بهار اهالی از آب رودخانه‌ها استفاده می‌کنند بدین ترتیب که کوزه‌ها را از آب گل‌آلود رودخانه‌ها پر می‌کنند و سپس چند ساعت منتظر میشوند تا گل آب ته نشین شده تا استفاده کنند با این همه آب شور و بدمزه بوده و ذرات ملحق در آب دیده میشود و در سایر فصول رودخانه را تا عمق ۳ و ۴ متر می‌کنند و این محلها را «بلاغ» می‌گویند و بیشتر اهالی از اینها استفاده می‌کنند و تعداد کمی از افراد ثروتمند آب را سطلی ۳۰ تا ۵۰ ریال که بوسیله تراکتور از فاصله دور می‌آورند می‌خرند. در بیشتر خانه‌ها چاه آب وجود دارد که برای رختشویی و آشامیدن حیوانات از آن استفاده می‌کنند.

روابط فرهنگی: در اثر باز شدن پای جوانان این روستا به‌تهران، رفته رفته فرهنگ روستائی از بین رفته بطوریکه تقریباً کلیه جوانان روستا در تهران بکار لواش‌پزی ــ سیگار فروشی مشغولند و این باعث شده که شکافی بین افراد مسّن و جوانان از نظر کلیه ابعاد فرهنگی بوجود بیاید و این شکاف رفته رفته بیشتر می‌شود و این باعث شده که بیشتر واژه‌های ترکی بزبان فارسی استعمال میشود و جوانانی که در روستا هستند همیشه بکار قاپ بازی مشغولند و افراد مسّن دور هم جمع شده به‌صحبت کردن و سیگار کشیدن بسر می‌برند در این میان تنها زنان و دختران کوچک هستند که در تمام مدت روز بکار قالی بافی مشغولند.

آموزش: در این روستا با این جمعیت کثیر تنها یک دبستان وجود داشت که در جریانات اخیر به آتش کشیده شده و علت آن این بوده که این مدرسه در قبرستان قدیمی بنا شده بود نه علل دیگر! تعداد بچه‌هایی که درس می‌خوانند کمتر از ۱۰۰ نفر است و دوکلاس راهنمایی وجود دارد که در هر کدام ۱۰ نفر محصل دارد بخاطر تعصبات مذهبی دختران از این نعمت نیز محرومند. ضمناً ۹ مسجد و ۴ آخوند در روستا وجود دارد و هر محلّه‌ای مسجدی دارد و مساجد در ماههای رمضان و محرم باز میشود آخوندها بنازگی در روستا کمیته‌ای تشکیل داده‌اند و بیکی از راههای درآمد خود اضافه کرده‌اند.

بهداشت: درمانگاهی از چند سال پیش درست کرده‌اند که تا بحال غیر قابل استفاده مانده یکبار یک دکتر هندی به‌روستا آمده بود که در اثر نداشتن وسایل درمان از قبیل دارو و وسایل جرّاحی از این هم استفاده نمی‌شد. کودکان روستا مخصوصاً دختران که در تمام مدت روز بکار قالی بافی مشغولند مبتلا به‌مرض سل هستند و همچنین آلوده بودن آب آشامیدنی باعث شده که امراض اطفال شیوع بیشتری داشته باشند و از مشکلات دیگر نبودن مامای زایمان است که تا بحال چندین نفر جان خود را از دست داده‌اند

مسکن: اکثر خانه‌ها گلی است و هر خانه تشکیل شده از دو اطاق و دو طویله و یک انباری، که افراد خانه در یک اطاق زندگی می‌کنند و تنور نیز در این اطاق است و دیوار ها کاملاً سیاه است و در همه خانه‌ها دستگاه قالیبافی وجود دارد. اطاقها پنجره ندارند و درهایشان خیلی کوچک است بخاطر این که در زمستان اطاقها گرم باشد در نتیجه نور کافی در اطاقها وجود ندارد.

محصولات: بخاطر آشنا نبودن اهالی به کشت محصولات متنوع تنها گندم و مقداری جو در زمینهای مزروعی کشت می‌شود بخاطر وسیع بودن مزارع، گندم زیادی بعمل می‌آید ولی در این اواخر بخاطر فقر مالی و کمبود ۲۰ تراکتور و یک کمباین در روستاهست و این ماشین‌آلات مال چند نفر خرده مالک است و از این راه هم کشاورزان را استثمار می‌کنند و اجارهٔ آنها بصورت ساعتی پرداخت میشود.

دامپروری: ۵ درصد اهالی دارای گلّه‌های متعدد گوسفند و گاو هستند و در حدود ۶۰ در صد چند تایی گاو و گوسفند دارند که شیر آنها را یا خود استفاده کرده یا می‌فروشند و بقیه روستائیان بخاطر فقر مالی نمی‌توانند دامپروری کنند مخصوصاً اینکه بیشتر ماههای سال را بخاطر آب و هوا و نبودن مراتع پائینتی دامها را در طویله پرورش دهند و اینهم کلّی مخارج دارد.

اقتصاد روستا: تنها نیروی انسانی فعال و پر درآمد روستا را زنان و دختران جوان تشکیل میدهند اینها با کار ۱۷ و ۱۸ ساعته خود اقتصاد روستا را می‌چرخانند. در هر خانه‌ای بدون استثناء دستگاه قالیبافی وجود دارد و دختران از سنین خیلی کوچک (سه و چهار سالگی) شروع به یاد گرفتن قالیبافی می‌کنند و تا آخر عمر به دستگاه وفادار هستند قالیبافی محور اصلی کلیه کارهای روستائیان است و این امر در مورد ازدواج تأثیر بسزائی دارد پدر دختر در عقد دخترش ۳۰ تا ۵۰ هزار تومان پول نقد دریافت می‌کند و مقدار این بستگی بمهارت قالیبافی دختر دارد و دختر هنگام رفتن بخانه شوهر بایستی یک دستگاه قالیبافی با خود بخانه بخت ببرد. ۱۰ درصد اهالی سرمایه قالیبافی را خودشان می‌خرند و بقیه سرمایه را اجاره می‌کنند اجاره بدین ترتیب است که بعد از اتمام کار دو سهم قالیباف و یک سهم تاجر ولی با احتسابات دلالی ــ بهره ــ دیر کرد و نسیه فروشی و کمسیون و غیره نسبت به‌کمتر از تساوی نیز میرسد. تجار عمدهٔ روستا را آقایان حاجی اسمعیل تازه دل ــ حاجی اسداله شکوری ــ حاجی حسین بخشایش‌زاده ــ حاجی ایمانوردی فراهی ــ حاجی محمد حسین آقا بابایی ــ حاجی عزیز آسیابانی ــ علی اکبر حاتم‌زاده و حاجی غفار غفارزاده تشکیل میدهند. که برادر یا پدر و یا خودشان در شهر نیز تاجری فرش می‌کنند و اینها بازار بسته‌ای را تشکیل میدهند که خرید و فروش کلیه فرشهای این منطقه در دست اینهاست که اینها هیچوقت با پول نقد معامله نمی‌کنند. ربا و چک فروشی کار دوم آنهاست دادن وام با بهره‌های خیلی بیشتر بوسیله تجار فرش از کارهایی است که مسأله استثمار را چند برابر می‌کند و اینکار بقدری رایج است که بانک صادرات نتوانست در این روستا کار کند و بعد از مدت کمی بانک را تعطیل کرد.

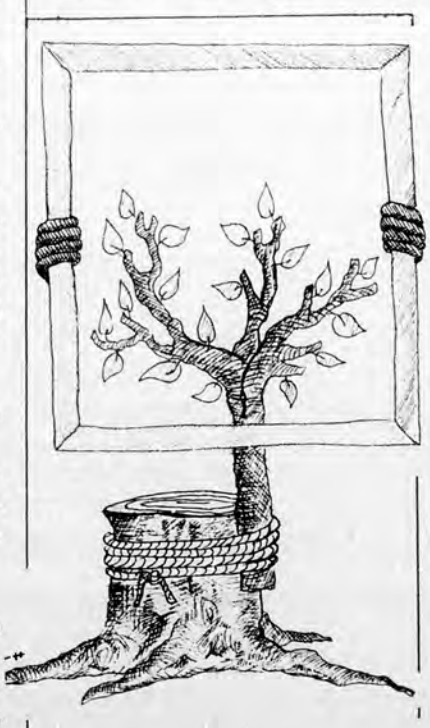

پاسخ به‌نامه‌های رسیده

برادران کوی شهید مفتاحی (شیراز)

نامه پر محبتتان رسید، خیلی ممنون هستیم.. در مورد اشکلات شما باید گفت که این ثمره پنجاه سال حکومت ضد خدائی میباشد و همانطور که حتماً می‌دانید مثل شما در کشورمان زیاد وجود دارد. اما به‌امید خداوند با دست توانای شما برادران و خواهران آگاه و از طریق ایجاد شوراهای محلی و... و شراکت مستقیم مردم در امور خودشان خواهیم توانست به‌حل این معضلات برسیم. اما الگوی کار و ایجاد شوراها فقط باید براساس تجربیات مستقیم خودتان پیاده گردد در این زمینه به‌شماره‌های اولیهٔ امتّ رجوع کنید.

با امید موفقیت در ایجاد شورایتان

برادر ع ــ ابوذر (اهواز)

نامهٔ گرمتان رسید، از اینکه ما را لایق دانستید تا دردتان را برایمان مطرح کنید، متشکریم. همانطور که خود می‌دانید هجوم فرهنگ غربی و بدنبال آن مصرف‌زدگی و نیودیک فرهنگ غنی در درون جامعهٔ ما که از اسباب و لوازم مورد نیاز امپریالیسم است، وضع اجتماعی و اقتصادی میهنمان بدینگونه که توصیف گردید در آمده است بنظر ما تنها راه غلبه بر این مشکل همانا اتحاد حول محور مبارزه بی‌امان بر علیه استبداد ــ استعمار و استثمار، تحت رهبری امام خمینی می‌باشد.

به‌امید برقراری حکومت عدل اسلامی

خواهر جمیله رئوفی جهرم

مقاله‌تان رسید انشاءالله در موقعیت مناسب از آن استفاده خواهیم کرد. در مورد مقاله نویسی و اینکه چگونه می‌توان بهتر نوشت باید همیشه در صدد یادگیری باشیم. بخوانیم و بخوانیم و هیچوقت مطالعه را فراموش نکنیم. همواره باید در جریان امور جامعه بود تا بتوان در هر سطحی نویسندای بود که نوشتی را برای مردم میخواهد نه فقط برای نوشتن.

مؤید و موفق باشید

برادر عبدالله ناظمی ــ اهواز

نامه‌تان رسید. در مورد مسائل مطروحه همانطور که خود اطلاع دارید بدون مدرک کاری نمی‌توان کرد. انشاءالله با کمک و یاری موفق خواهیم شد.

موفق باشید

برادر محمد علی امیری ــ همایونشهر

نامه شما که حاکی از احساس مسئولیت شما در برابر مسائل اجتماعی و خواست شناخت مکتب اسلام است بدستمان رسیده در صورت ضرورت، مطلب مورد علاقه شما پیشنهادتان را جامه عمل می‌پوشانیم. برایمان بیشتر بنویسید

موفق باشید

برادر شکرالله ــ ج ــ شوشتر

شما بخوبی میدانید که در طول تاریخ مبارزات همیشه عده‌ای برای تخطئهٔ کردن گروهی که از نظر مشی سیاسی ــ ایدئولوژیک مخالف آنها هستند تهمت و افتراهای ناروا می‌زنند. چیزی که بدبختانه بخوبی در جامعه ما رواج یافته است و افتادن بدامن چنین مسائل انحرافی جز اتلاف وقت نخواهد بود و شما میتوانید با شناخت دقیق معیار های اسلامی حق را از باطل تمیز دهید.

موفق باشید.

برادران و خواهران انجمن اسلامی نهاوند

نامهٔ شما که حاوی اعتراض به‌شیوه برگزاری انتخابات مجلس خبرگان بود، دریافت کردیم اما چون زمان طرح مطلب گذشته و از طرفی باندازه کافی از جانب سازمانها و گروهای مختلف به‌این «انتخابات» اعتراض شد است و شیوهٔ رسیدگی به‌اعتراضات را هم دیده‌ام به‌این منظور درج نامه‌تان را ضرو ، ندیدیم. بامید همکاری و مکاتبه بیشتر.

موفق باشید

برادر جواد علیان ــ مشهد

مطلب شما تحت عنوان جهاد سازندگی بدستمان رسید. اگر وقت کرده باشید هفته گذشته مطلبی در همین مورد در امت، چاپ شده بود به این علّت از چاپ مطلب در این مورد فعلاً صرفنظر می‌کنیم.

موفق باشید

برادر غلام حسین اکبر پور ــ ف

باتشکر از نامهٔ متعهد شما، باید بگوئیم همانطور که خود اشاره کرده‌اید در هر زمانی باید راه علی را پیمود و در برابر زر و زور و تزویر «لا» گفت ما هم در این راه با شما هم عقیده‌ایم.

پیش بسوی تشکیل شوراهای انقلابی اسلامی کارگران، کشاورزان، دانش‌آموزان، دانشگاهیان، معلمین، سربازان، درجه‌داران، افسران، اصناف، کارمندان و شوراهای محلی

«صمد موجی در ارس»

«او یاد میداد که هر کس به‌اندازهٔ عصیانی که میکند بزرگ است»

صمد در سال ۱۳۱۸ در محله چرند آب تبریز چشم بجهان گشود فقر و نداری اولین تجربه تلخی بود که با تمام وجودش در اوان کودکی لمس کرد. دوران کودکیش مثل هزاران کودک ایرانی در میان خاک و حل سپری شد و هر چند که بقول خودش مثل قارچ‌زاده نشد ولی مثل قارچ رشد کرد. بعد از پشت سر گذاشتن تحصیلات دبیرستانی به‌دانشسرای تبریز راه یافت و در هیجده سالگی با عنوان معلمی راهی روستاهای آذربایجان گردید. او تمام آنچه را که بالجبار در دانشسرای یاد گرفته بود دور ریخت و طرحی نو برای آموزش بچه‌های روستائی بکار برد.

صمد بخوبی فقر و بدبختی را در دوران زندگی پر رنجش لمس کرده بود در چهره روستانشینان فلاکت را می‌دید او هر روز شاهد جریانات و حوادث تلخی بود که بارها خود تجربه کرده بود. فقر و احساس فقر وجه مشترک صمد با اقشار و توده‌های بینوای روستائی بود و این آنان را بهم نزدیک‌تر میساخت. روستائیان بگونه‌ای با او بر خورد میکردند که گویی سالهاست او را می‌شناسند. او همزمان با معلمی بکار نویسندگی پرداخت و برای احیای فرهنگ و زبان آذربایجانی رنجهای فراوانی تحمل کرد. صمد با روی آوری به‌بچه‌های پاک و محروم که صادق‌ترین و پاک‌ترین و حتی عادلترین شنوندگان پیامش بودند بکار پرداخت. او در کتابهایش نه از در اندرزگویی، که از در ارشاد و راهنمایی وارد شد و یاد داد چگونه علیه ستمگران و زور گویان بشورند. او در داستانهایش دنیائی از شهامت و فداکاری و مبارزه را بروی بچه‌ها گشود. او در فکر ساختن جامعه‌ای بود اندیشمند که در آن انسانهای محنت کشیده و رنج دیده بتوانند با دست‌یابی به‌حقوق انسانی خود رشد کنند و بشکوفایی استعدادهای نهفته و در بند کشیده خود بپردازند. عشق به‌آزادی و رهایی در تمام نوشته‌هایی بچشم می‌خورد. قهرمانان وی انسانهای در مانده و گرسنه‌ای بودند که برای حفظ اصالت‌های انسانی و کسب آزادی بمبارزه با زور گویان می‌پرداختند. او یاد میداد که تنها راه نابودی فقر و استعمار نابودی مناسبات ظالمانه اجتماعی است. او بخاطر زندگی در فقر و شناخت علل واقعی آن، با انگشت گذاشتن روی علت‌ها راه اصولی مبارزه را به‌خوانندگانش یاد میداد. او بچه‌ها را از دنیای پوشالی که ساخته و پرداخته غارتگران و استعمارگران بود به‌دنیای واقعی پر از تعهد و مسئولیت و رنج می‌برد.

او با تکیه بر فرهنگ اصیل و پویای آذری و یادآوری حماسه‌های قهرمانانه کور اوغلی و نسبی... روحیه مبارزاتی و حق‌جوئی را در دریچه‌ها شکل میداد. و نشان میداد که چگونه با تکیه بر فرهنگ و زبان ملی میتوان مبارزه کرد.

سراسر داستانهایش از مبارزه و تضاد آشتی‌ناپذیر خلق و ضد خلق موج می‌زد. او برای روشنگری بچه‌ها بصورت کتابخانه متحرکی از این روستا بآن روستا می‌رفت.

او نشان داد که انسان نباید با کم بهاء دادن بخود توقف و رکود را بپذیرد و همیشه میگفت هر نوری هر چند ناچیز باز روشنایی است. او یاد میداد که هر کس به‌اندازه عصیانی که میکند بزرگ است و عالی‌ترین کلمه را که بشر انسان شدنش را مدیون آنست ــ نه ــ نباید بچه‌ها می‌آورد. او میگفت هرگز نباید ایستاد و از اینکه بدانیم نخواهیم رسید نباید توقف کنیم باید رفت که رهایی در رفتن است و او رفت تا ماهی سیاه کوچولو خود را دنبال کند. او رفت تا راهی را که خود نشان داده بود اولین مسافرش باشد. او معلمی متعهد و روشنفکری آزادمنش بود که قلمش را نفروخت و با مبارزه بی‌امانش علیه فقر و جهل این سه اقنوم نیرگی و ذلت، نامش را در تاریخ مردان نامی ایران جاودانه ساخت.

نامش زنده و خاطره‌اش جاودانه باد

آدینهٔ سیاه

خود را در کدام سهم
از ایمانتان
ــ که سرخ می‌نمود،
به‌آتش کشم،
و در کدام هنگامهٔ سرب اندودِ
گلویتان
سرود خوان.... رها شوم،
که دریاچه‌ها
از شکوه ایثارتان خشکید
و میراندار پروای مرگتان گردید[1]

* * *

لحظهٔ بی‌خویشی آدینه را شما...!
،پر آذر خش شکفتن، جوانه زدید،
که هم اینک
ــ پیر نشسته بر بلندای صداقت ــ[2]
برکریوه‌های «قدس» به‌سخره گرفته است
خروش دشمن را...!

* * *

و اینجا، آدینه بر طنین رویش
بغض است و انفجار...
که شمایان، به‌تزکیه‌اش، خوانده‌اید،
و در صبح «سرود تولد»
سهمی از آفتاب خون را
برسنگلاخ گذر گاهش، نشانده‌اید.

* * *

من،
از خوشه‌های خشم برهنه...
خواندم که
«از مشهد شمایان
ــ آدینهٔ سیاه ــ
تا میلاد «روز قدس»[3]
فریاد ارغوانی
«امت»
جاری بر شهادت
«قدر» است...
وتنها فریاد، شماست
که می‌ماند.....

«م ــ کاظمی»

۱ــ کنایه از دریاچهٔ قم که شاید از اجساد شهیدانمان خشکیده باشد.
۲ ــ کنایه از رهبر نستوه و مجاهدمان «امام خمینی»
۳ ــ مفهوم کلی شعر کنایه از پیوند جمعهٔ سیاه است با جمعه آخر رمضان «روز قدس»

بقیه از صفحه ۲ **مازاد براحتیاج...**

اسلامی و به‌پیروی از تعالیم قرآن و پیامبر در همه موارد مهاجران را که فاقد وسایل زندگی و معیشت بودند، بر خود ترجیح می‌دارند، جدا از آنکه آنها را در خانه و اموال خویش شریک و سهیم کردند، از سهم خود در غنائم بدست آمده از بنی قریظه و نبی نضیر به‌نفع مهاجرین صرفنظر نمودند[37] و کارشان منطبق با این آیه بود که می‌فرماید»

للفقراء المهاجرین الذین اخرجوا من دیارهم و اموالهم یبتغون فضلاً من الله و رضواناً و ینصرون‌الله و رسوله اولئک هم الصّادقون» حشر ۶

حماسهٔ مهدی

بگذار شکنجه کنند، بگذار رگ و پوست ما در راه خلق فدا گردد. تا ظلم هست مبارزه هست و تا مبارزه هست شکست و پیروزی هست ولی سرانجام پیروزی متعلق بخلق است.

پانزدهم شهریور یادآور شهادت افتخارآفرین مهدی، مجاهد جوان و پسر شوری است که در زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌های فرون وسطایی رژیم پلید پهلوی تا آخرین لحظه بمقاومت و پایداری پرداخت. مسلمانی و بخاطر اعتقادش به‌اسلام و قرآن و رهایی توده‌ای در بند کوهی از رنجها و مرارتها را بدوش کشید و با شهادتش نور امید و ایمان بدل‌های تاریک و غبار گرفته افکند و با چنگ زدن به‌ریسمان الهی قدم در راه رستگاری خود و خلقش نهاد و با خون خود نهال آزادی و آزادگی را بارورتر ساخت.

مهدی در سال ۱۳۳۲ در یک خانواده مذهبی متولد شد او از بچگی روحی ناآرام و سرکش داشت دوران مدرسه را با موفقیت پشت‌سر نهاد و از همان ابتداء با شرکت در برنامه‌های کوه‌نوردی و خودسازی مجاهدینی چون سعید محسن و حنیف‌نژاد و سایر برادران مجاهدش افکارش را شکل میداد هر چه میگذشت کینه و نفرتش به‌نظام حاکم و دشمنان خلق اوج میگرفت. او بعد از ورود به‌سازمان با نام مستعار مقدادلا فرماندهی یک هسته کوچک را بعهده گرفت و دست به‌عملیات موفقیت آمیز چندی زد. او بعد از دستگیرهای شهریور ۵۰ بعلت جوانی مورد سوءظن قرار نگرفت ولیکن مدتی بعد در یک درگیری نابرابر بعد از کشتن یکی از مزدوران (جاویدمند) دستگیر شد و مدت چهار ماه زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها مقاومت حماسه‌آفرینی از خود نشان داد. بالاخره با طرح یک نقشه ماهرانه در حالیکه مزدوران رژیم خیال میکردند موفق شده‌اند مقاومتش را در هم بشکنند تن به‌بازجویی و شرکت در دادگاه علنی داد. در اولین دادگاه با رفتاری که شایسته یک رزمنده انقلابی تمام پندارهای خیالی دشمن را نقش بر آب کرد. بلافاصله بعد از ادگاه زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها قرار گرفت علیرغم تهدیدهای مزدوران صحنه دادگاه تجدید نظر را به‌جلسه محاکمه رژیم و عمال پلیدش تبدیل نمود و چنان دفاع جانانه‌ای از خلق، انقلاب و آرمانش پرداخت که لرزه بر اندام جلادان رژیم انداخت و شجاعانه فریاد بر آورد که «ما به‌اصالت انسان معتقدیم و تکامل انسان و جامعه انسانی را بزرگترین هدف می‌دانیم. انسانی که در سیر تکاملی جهان ارزنده‌ترین پدیده‌های خلقت است، هدفش خوردن و خوابیدن نیست، بلکه کشف صفات عالی الهی و متّصف شدن به‌چنین صفاتی است. هدف لقاءالله است هدف ما فراهم آوردن چنان شرایطی است که همه انسانها تحت آن شرایط بآخرین درجه کمال و انسانیت برسند.

اگر انسان برای بدست آوردن لقمه نانی به‌پست‌ترین صورتهای منتشب شود از این هدف عالی دور افتاده است. هدف ما چیزی جز بهروزی خلق نیست و در هم شکستن هر گونه روابط ظالمانه اجتماعی و اقتصادی و استوار ساختن تعالیم عالیه اسلام در جامعه نیست، جامعه‌ای آزاد، بی‌طبقات و توحیدی، جامعه آیده‌ال ماست.» او سجانه‌ترین شکنجه‌ها را بخاطر دفاع از آرمانش بجان خرید چرا که با تمام وجودش عقیده داشت که تا ظلم هست، مبارزه نیز هست. مزدوران سفاک رژیم که علیرغم تمام فشارها و شکنجه‌های روحی و جسمی نتوانستند مقاومت مهدی ۱۹ ساله را در هم بشکنند چون مار زخمی بخود می‌پیچیدند بطوریکه ثابتی رذل از شدت خشم بدهان مهدی ادار نموده و بدین گونه پستی و رذالت خورد را نمایاند. اور را در زیر شکنجه تکه تکه کردند و اعلام نمودند که مهدی در ۱۶ شهریور اعدام شده است. بدین ترتیب حماسه جوانی که وجودش در پرتو آیات قرآن و کلمات نهج‌البلاغه شکل گرفته بود با شهادت قهرمانانه‌اش اوج گرفت و افتخار جدیدی بر تاریخ درخشان مبارزات خلق افزوده گشت و دیری نگذشت که فرزندان راستین خلق راهش را ادامه دادند، و با سرنگونی رژیم منفور پهلوی به‌افسانه شکست ناپذیری آن خاتمه دادند. اما افسوس که دست‌های پلید ارتجاع و تنگ‌نظری کسانی که زمانی با تکیه بر شجاعت و دلاوری مهدی دلیر برای خود نام و شخصیت کسب می‌کردند، با تصاحب میراث شهدا و مجاهدین از جان گذشته ناجوانمردانه می‌کوشند تا یاد مهدی‌ها را از خاطرها بزدایند و چه خیال باطلی

یادش گرامی و راهش پر تداوم باد

ای شهید....ای که تو....

تقدیم به«غلام سرداری»، مجاهدی که در ۱۲ شهریور سال ۱۳۵۵ در درگیری خیابانی به‌شهادت رسید.

«بسم‌الله ناصرالمظلومین»

ای شهید.... ای شاهدِ ناظر.... ای زندهٔ حاضر.... ای قلب تاریخ.... ای شاهرگِ حیاتِ امت.... ای مرد عرصه همت.... ای روزی داده شدهٔ از خوان نعمت‌الله.... ای جانثارِ سبیل‌الله.... ای چشمه جوشانِ غیرت.... ای دارندهٔ چشمِ بصیرت.... ای قلهٔ عزت.... ای بَرندهٔ بهترین اُجرت.... ای راهگشای کویِ دوست.... ای شتابندهٔ به«ابدیت».... ای پشت پازده به«روزمرگی».... ای مرغِ باغِ ملکوت.... ای منوری از عالم خاک.... ای نعمت داده شدهٔ در جریگهٔ صدیقین و صالحین.... ای ساربانِ نجات‌بخشِ کاروانِ مظلومین.... ایخواصِ بحرِ خون.... ای صیادِ گِلّه ستمگران.... ای ریشه‌کَنِ حکومتِ ظالمین.... ای رزمنده جُنبش توحیدیِ مستضعفین.... ای پاسدارِ حریم اسلام.... ای عاصیِ بهرچه استکبار....

ای که با خونِ سرخ خویش، چهرهٔ سیاه و ظُلمانی اسلام را جَلا دادی و از آغشته‌های قیرگونِ ارتجاع صفوی پیراسته نموده و با رنگِ علوی آرایش دادی.... ای که چون «شباهنگ» در آسمانِ ظُلمانی و بی‌ستارهٔ این ملّت، درخشیدی و مدام، ندایِ صبح و روشنائی دادی.... ای که چُونانِ مُرغِ حق، در آستانهٔ طلوع فجر، سازِ آهنگینِ «حق حق حق» را به نوا در آوردی، که تا این ملّتِ همیشه بخواب را به‌تماشای سحر، فراخوانی، ولیک، همین ملّتِ در بَند، مُرغِ شومت خواندند و مارک بدشگونی بر پیشانی پُر مقدمّت چسباندند!!.... ای که در اقلیم «نامردی»، سرودِ «مردی» خواندی و بر هرچه نامردی بود، شوریدی، و با گُرز حق بر پیکر باطل کوفتی و رهروانِ راهت را به‌این «یکوب»، جاودانه، وصیت نمودی.... ای‌که شمشیر زبان از نیامِ کام بیرون کشیدی و بر آنان که شُعارِ بی‌غیرتیِ «آدم خاموش در امانِ خداست» را سر میدادند، پرخاش‌گری کردی و شعارِ انقلاب آفرینِ «در جهان نتوان اگر مَردانه زیست همچو مردان جان سپردن زندگی است» را جابگزینش کردی!!.... ای که در برج عاج روشنفکری محصور نشدی و در بطن توده و متن زندگی خلقی ــ که زندگی بردگی و زندگی بندگی است و نه زندگی است که مُردگی است و جان کندن و با سوزن گور کندن ــ زیستی و بر بیچارگی و مظلومیت‌شان واقف گشتی و نیک دانستی که از بی‌کَفَنی زنده‌اند!! و آن هم نه زیستن، مانندِ کسانیکه در روی تُشک روشنفکری، زندگی خلقی را نرمش می‌کنند و با احساسِ رسیدن به‌رُتبهٔ «انسان طراز نوین» مُشکلات را حلّ شده، درد ها را شناخته و حقایق را دریافته می‌بینند!!.... ای‌که تو رسول و نذیرِ زمان خود بودی و محمدٌ، جبر ثبات، و دائم، درسِ خیزش انقلابی قرآن را تدریس میکردی و آنهم نه در ذهن که در عین، نه در چهار دیواریِ پاتوق‌های روشنفکری مذهبی که در صحنهٔ ستیزِ حق طلبانهٔ با طاغوت، نه در مجامع و محافلِ به‌اصطلاح تفسیرِ قرآن‌های بی‌حرکتِ جامد، که در میدانِ خونِ کربلاوش و نه‌با سازِ بد آهنگِ گریه و زاری‌هایِ مجالسِ دعای نُدبهٔ امامِ قائم نه‌پسندِ ذلّت‌آور، که با نعره‌های خشم آگینِ الله اکبرِ عرصهٔ پیکار با جبههٔ کفر و باطل.... و با پیشانی پُر چین شده از کینه و خشمِ دشمن!!.... ای که تو «ولایتِ ابوتُرابی» را در عمق جان خود و در مغز استخوان خود، غرس کردی و بر هر چه «ولایت ابوسفیانی» بود، شمشیرِ «لا» زدی و خط بُطلان کشیدی.... ای‌که تو «کاری عاشقانه» کردی و بر آنان که «کارِ عاقلانه» را توصیه میکردند، با قهقه خندیدی، ولیک نا صحیحِ احمق، همان هائی که درعشق «لقاءالنرگس» غر قند و نه چون تو در عشق «لقاء الله» عشق شورانگیز و اهورائی تو را به‌بادِ استهزاء گرفتند!!.... ای که تو در برابر روحانی نمایانی که خود، شکمشان را گورِ هر جانور ساخته‌اند و لیکن به‌مرده، سخن خواب‌آورِ:

«اندرون از طعام، خالی‌دار
تا در آن نورِ معرفت بینی»، موعظه میکنند، پاسخ قاطع و دندان شکنِ:

«برو این دام، بر مرغ دگرنه
که عنقا را بلند است آشیانه» را جوابگوشدی!! ای‌که تو نصایح مشفقانه از این قُماش که: «آهسته برو، همیشه برو!!» را زیادِ زیاد شنیدی، ولی در جواب گفتی و الحق دُرستُفتی که:

هرکه پیمان با هوالموجود بست
گردنش از بندِ هر معبود رَست»!!ــ ای که تو، اشعارِ جَفَنگِ از این دست که:

آنجا که عقاب پَر بریزد
از پَشّهٔ لاغری چه خیزد!!»، از شُعرای دَبَنگ، بسیار شنیدی ولیک چون شیر خروشیدی که:

«تو شمشیری، زکاخ خود برون آ
برون آ، از نیامِ خود برون آ!!»

ایکه تو در حَرایِ دلِ خویشتن نشستی و تَرکِ خود کرده و سوی حق، هجرت گزیدی.... ای‌که تو سلاح لااله، بدست گرفتی و هر طلسم و خون را شکستی....!!.... و من چه بگویم و براستی چه بگویم که تو اینک آنقدر عظمت پیدا کرده‌ای که هر وقت من میخواهم قامتِ بلندت را نظر کنم، کُلاه‌ام از پُشت می‌افتد!!....

علی راد ــ تبریز ۵۸/۶/۲

بقیه از صفحه ۷ **زندگی اسفبار...**

روستائیان می‌بود. روستائیان بعلت دوری راه و نداشتن امکانات از رفتن به آن مناطق سرباز زده و هم چنان در چادرهائی که برایشان زده شده است مانده و به‌کشاورزی و دامداری ادامه می‌دهند. بعد از انقلاب اسلامی به‌رهبری امام خمینی و همیاری عموم مردم، انتظار می‌رفت که نهادها و چهارچوب‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تغییر بنیادی نماید و مراجع مسئول دولتی با اقدامات انقلابی به‌یاری محرومان و باز سازی کشور به‌پردازند. در این زمان مردم با شور و شعف و امید هیئت‌هائی به‌استانداری و نیز به‌قم نزد امام فرستادند تا مراتب پشتیبانی و جانفشانی خود را اعلام دارند و از طرفی مسئولین جدید را در جریان واقعیت‌های محل زندگی خود قرار دهند و خواستار رسیدگی به‌مناطق زلزله‌زده شدند. از طرف استانداری قول و قرارهائی داده شد ولی هر چه استدعا زیادتر می‌گشت نتیجهٔ کمتری حاصل می‌شد. اکنون که ۵ ماه از آن قولها می‌گذرد و در خلال این مدت طبق فرمان امام مسکن‌سازی برای کسانی که فاقد خانه می‌باشد شروع شده است. و در بسیاری از شهرها نزدیک به‌اتمام می‌باشد ولی روستائیانیکه از هیچ گونه مأوا و مسکنی برخوردار نیستند هم چنان سرگردان و بی‌پناه می‌باشند.

ما نامه‌ای را که شرح واقعیت زندگی مردم محروم آن سامان است و برای استانداری فرستاده‌ایم به‌پیوست برایتان می‌فرستیم. تا با چاپ آن شاید مقامات استانداری اقدامات فوری و ضروری را قبل از فرا رسیدن زمستان و شروع سیل و باران انجام دهند.

با تقدیم احترام سیدحاجت مراد عبدالهی
از طرف روستاهای دهنو علیا ــ دهنو سفلی ــ دم آب ــ جهمان از بخش اردل

توضیح: با در نظر گرفتن حجم هفته نامه امت و نداشتن امکان وسیع برای چاپ تمام نامه شما، اقدام به‌چاپ خلاصه‌ای از نامه شما می‌نمائیم.

نابود باد امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع

بقیه از صفحه ۱

دیداری بازحمتکشان کارخانه..

کرد. و فعالیت خود را با ساختن شیرینی کام و کامک شروع کرد. تعداد کارگران کارخانه ۳۴۰ نفر است. واحد تولید شیرینی کام صرفاً برای تأمین تغذیه باصطلاح رایگان مدارس تأسیس شد. این کارخانه وابسته به گروه سرمایه‌گذاری البرز (K.B.C) می‌باشد و در حدود ۲۴ میلیون تومان سرمایه ثبت شده دارد که ممکن است سرمایهٔ فعلی آن خیلی بیش‌تر از ۱۰۰ میلیون تومان باشد ۵۰٪ از سهم این کارخانه متعلق به‌خسروشاهی است که اکنون در خارج از کشور بسر می‌برد و بقیه سهم آن بین کارگران باید تقسیم میشد که بنا به‌گفتهٔ یکی از کارگران فقط برگه‌ای شامل ۱۲۴ سهم از بانک ملی برای کارگران کارخانه ارسال شده که فاقد ارزش میباشد و بقیه نیز بین نورچشمی‌ها تقسیم شده است.

س ــ برادر نظر شما درباره سهامی که طبق قانون گسترش مالکیت بین کارگران تقسیم شده چیست؟

ج ــ طبق این قانون سود سهام برای خود سهم بطور قسطی برداشته میشود و این موضوع نا پر شدن کلیه سهم ۳۰ سال طول میکشد و بنابراین برای ما فاقد ارزش است. و اگر کارخانه ملی نشود عرق ما عیش نورچشمی‌ها را تکمیل‌تر خواهد نمود.

مسائل سندیکا و نظرات کارگران دربارهٔ شورای اسلامی کارخانه

تعدادی از اعضای سندیکا می‌گفتند که به‌علت همگام نبودن کارفرما با سندیکا کارها به‌تعویق می‌افتد و از جمله کارهائی که انجام داده بودند تأسیس تعاونی ــ گرفتن اضافه دستمزد ــ ایجاد کلاسهای سوادآموزی ــ تقسیم سودویژه ــ و حل مشکلات فردی کارگران است.

س ــ برادر شما بعنوان یکی از اعضای سندیکای کارگری بفرمائید چرا علیرغم توصیه‌های فراوان آیت‌اله طالقانی و امام خمینی مبنی بر تشکیل شورا در تمام سطوح کشور در این زمینه اقدامی نشده؟

ج ــ با وجود گرفتاریهای فراوان هنوز فرصت این کار را نداشته‌ایم ولی اعتقاد داریم این شوراها از بطن انقلاب برخاسته و قدرت توده‌ای دارند لذا یکماه است که در فکر تشکیل شورای اسلامی کارگران هستیم ولی ما اساسنامه‌ای نداریم که طبق آن شورا را تشکیل دهیم.

س ــ برادر با توجه باینکه مسکن یکی از مشکلات عمومی کارگران است در این مورد چه کارهائی کرده‌اید؟

ج ــ در اطراف کارخانه زمینهای بایر فراوان است پس از اینکه به‌مسئولین استانداری رجوع نمودیم و اقداماتی کردیم مالکین زمینهای مجاور کارخانه با سوءاستفاده از این قانون که زمینهای زراعی را نمی‌توان فروخت و برای مسکن بکار برد یک شبه آنرا شخم زده و ادعا می‌کند زمین مذکور زراعتی است در حالی که این یک نیرنگ است که متأسفانه کسی به‌گفته ما توجه ندارد.

اعضای سندیکا وجود نمایندگان شورای کارگری پر شهر را برای تصویب قانون کار و لغو قانونهای ضد کارگری لازم می‌دانستند و تشکیل شورای نمایندگی کارگران همهٔ کارخانه‌های همدان را امری ضروری می‌دانند.

مسئول برق کارخانه گفت کارگران که انسانهای شریف، مؤمن و راستگوئی هستند قادر نیستند با گرگهائی که هزار بند و تبصره بلد هستند مقابله کنند باید کسی در شورا باشد که از حقوق کارگر در برابر آنان دفاع کند او لزوم وجود یک نماینده از طرف امام یا وزارت کار را برای نظارت بر مدیریت هر کارخانه را واجب می‌دانست. مدیر کارخانه از تشکیل شورای اسلامی دفاع می‌کند و می‌گوید من خواستم که قدرت مدیریت را به‌سندیکا تفویض نمایم و خود ما هم همکاری کنیم ولی ناهماهنگی و سابقهٔ قبلی بین کارگر و کارفرما مانع این کار شد. مهندس کارخانه ذکر کرد که چنانچه کارگران بخواهند در تصمیم‌گیری‌های مدیریت کارخانه شرکت داشته باشند باید قبول مسئولیت نمایند در غیر این صورت فقط باید کارهای صنفی را انجام دهند. او معتقد است با وجود فشارهای کارگران بر مدیریت کارخانه و عدم اطلاع از مشکلات کلی شرکت منجمله عدم وجود امکانات مالی کارخانه در آینده نزدیک تعطیل خواهد شد. و تنها راه جلوگیری از تعطیل کارخانه ایجاد تفاهم و مشارکت کارگران در تصمیم‌گیری و قبول مسئولیت است.

مدیریت کارخانه مورد قبول کارگران نیست.

عموم کارگران از مدیر کارخانه ناراضی بودند و وقتی با مدیر کارخانه به‌گفتگو نشستیم او علت ناراضی بودن را اینطور شرح داد: ما مدیران حرفه‌ای هستیم حقوق می‌گیریم پس لزومی ندارد که در سندیکا یا مسائل دیگر کارشکنی کنیم کارخانه در حال تعطیل شدن است و ما هنوز راهی برای ایجاد تفاهم بین کارگر و کارفرما پیدا نکرده‌ایم ما حرف همدیگر را نمی‌فهمیم و علت نارضایتی همین‌جاست.

واحد تولید شیرینی بکلی تعطیل است

پس از اینکه برنامه تغذیه مدارس بکلی لغو شد این واحد که مسئولیت تهیه شیرینی برای مدارس را بعهده داشت فلج شده و تاکنون بنا به‌اظهار کارگران و اعضای سندیکا ۱۵۰ الی ۲۰۰ نفر را بدین سبب اخراج کرده‌اند ولی مدیر کارخانه می‌گوید فقط ۷۰ نفر اخراج شده‌اند. کارگران معتقدند می‌توان نوع تولید را تغییر داد. مهندسین کارخانه نیز با این نظر موافقند. یکی از کارگران این قسمت می‌گفت باید دولت تغذیه مدارس را از سر بگیرد. تا چندی پیش در این قسمت تولید شیرینی ادامه داشت ولی به‌علت گرانی کالا در بازار و عدم استقبال مردم چند روزی است که این واحد بکلی تعطیل است.

انعکاس ملی شدن صنایع در کارخانه:

همگی کارگران و کارمندان و همچنین مدیر کارخانه از ملی شدن کارخانه استقبال می‌نمایند و ملی کردن کارخانه را کارگران برای خود، کار کردن می‌دانند. یکی از کارمندان از اینکه برای طرح ملی شدن هنوز الگوئی به‌آنها نداده‌اند گله می‌کرد. و اظهار می‌داشت که نمایندگان دولت وقتی برای بررسی به‌اینجا آمدند تاکنون ما را از نتیجه کارشان مطلع نکردند. مدیر کارخانه می‌گفت: معلوم نبودن وضع کارخانه از لحاظ ملی شدن یا نشدن بی‌تفاوتی عجیبی ایجاد کرده و ما نمی‌دانیم با صاحب سرمایه طرف هستیم یا با دولت. در این رابطه یکی از کارگران عدم قاطعیت دولت آقای بازرگان را علت همهٔ نارسائی‌های کارخانه می‌دانست و می‌گفت عدم بینش انقلابی آقای فروهر وزیر کار موقعیت سرمایه‌داران و مدیران نظام پیشین را تثبیت می‌نماید.

«مشکلات کارگران از زبان خودشان»

با یکی از کارگران نابینای کارخانه صحبت می‌کردیم اظهار داشت که من ۸۴۰۰ ریال حقوق می‌گیرم که ۳۰۰۰ ریال آنرا اجاره خانه و ۳۰۰۰/ ریال آنرا برای قسط یخچال می‌پردازم و فقط با ۲۴۰۰/ ریال زندگی می‌کنم و این کفاف زندگی مرا نمی‌کند او همچنین اظهار داشت که در اردی‌بهشت امسال استخدام رسمی شده و در رژیم قبلی بعلت نقص عضو اورا استخدام نمی‌کرده‌اند. یکی دیگر از نابینایان می‌گفت از دولت می‌خواهم طوری بمن حقوق بدهد که مانند دیگر نابینایان سربار جامعه نباشم.

مشکل عمومی کارگران کمی حقوق ــ مسکن ــ عدم بهداشت کافی در محیط کارخانه ــ نبودن تهویه و فن کویل و.... می‌باشد مدیر کارخانه عدم وجود امکانات فوق را ناشی از مطالعه نکردن دقیق پیرامون آب‌وهوای منطقه برای ساختن کارخانه می‌دانست یکی از اعضای سندیکا می‌گفت هر مشکلی را که با کارفرما در میان می‌گذاریم فوراً مسأله کمبود بودجه و کمی تولید را بمیان می‌آورد. یکی دیگر از کارگران می‌گفت مشکلات ما یک کتابی است با ۷۰ من کاغذ. هم‌چنین کارگران از عدم وجود وسائل کافی برای بالا بردن آگاهی سیاسی ــ مذهبی کارگران گله داشتند. مدیر کارخانه ذکر کرد که سندیکا کتابخانه ــ نمازخانه ــ و سالن سخنرانی ترتیب داده است.

ما خود شاهد بودیم که بعضی از قسمت‌های

بقیه در ستون پنجم

بقیه از شماره قبل

مصاحبه با سندیکای

پالایشگاه نفت تهران

مصاحبه زیر را توانستیم پس از تماس با سندیکای «شرکت نفت پالایشگاه تهران» تهیه کنیم امّا متاسفانه بعلت حساس بودن شرایط پالایشگاه دوستان سندیکائی از ما خواستند که وارد محوطه پالایشگاه نشویم در نتیجه ما نتوانستیم با برادران و خواهران کارگر از نزدیک تماس برقرار کنیم بنابراین گزارش زیر صرفاً نقطه نظرات اعضاء سندیکا و شوراهائی می‌باشد که عضو آنها می‌باشند.

همچنین هفته‌نامه امت الزاماً با تمام نقطه‌نظرات این مصاحبه توافقی ندارد بلکه بعلت مثبت تشخیص دادن این گزارش اقدام بدرج آن می‌نماید لازم

بتذکر است که بعلت طولانی بودن این مصاحبه قسمتهای مهمی از این مصاحبه را چاپ می‌نمائیم

س: تقریب ۱۰ روز پیش حدود هزار نفر کارگر یک قطعنامهٔ ۱۰ ماده‌ای را نزد امام قرائت کردند آیا این در رابط با سفرهائیست که به‌آن اشاره می‌کنید؟

ج: بلی، اوّلاً ۲۲ ماده بود که انجمن اسلامی آنرا خوانده و در مورد تزیه بوده و کارهائی که تابحال ایشان کرده بودند به‌آن اشاره شده و روزنامه‌ها نوشتند و دوازده مورد دیگر در مورد تزیه و مسائل مملکتی بوده که به‌آن هیچ اشاره‌ای نشد.

ما در مورد فروش نفت به‌خیلی پیش اعتراض داریم و همچنین در فروش آن به‌شیلی نیز معترضیم، یعنی ما از حکومت اسلامی خودمان انتظار داریم که به‌کمک تمام مبارزین بدون در نظر گرفتن ایدئولوژی آنها بیرود مثلاً نیکاراگوئه که احتیاج بکمک دارد و نیکاراگوئه و فلسطین از نظر ما هیچ فرقی ندارند. یک جامعه میخواهد از زیر فشار ظلم بیرون بیاید باید کمک شود و کشوری مثل فیلیپین که مردمرا نابود می‌کند. این کشور را باید مجازات کنند ما باید از این اسلحه بعنوان یک حربهٔ سیاسی استفاده کنیم. نه حربه‌ای باشد برعلیه خودمان، اگر ادعا می‌کنند این اسلحه در دست خودمان است. پس باید از آن استفاده کنیم. ما اکنون سه اسلحه داریم: نفت ــ ایمان خود ــ اسلحهٔ داخلی

بنابراین دولت مجبور است دستگاهها را به‌آنها واگذار نمایند. می‌بینیم که این وابستگی‌ها بار دیگر ایجاد می‌شود. اما در مقطع انقلاب، وابستگی قطع و بعد از انقلاب یک مقدار وابستگی در حال بوجود آمدن است.

س: نظرتان راجع به‌پالایشگاه اصفهان چیست و آیا کارشناسان ایرانی می‌توانند از عهدهٔ آن برآیند؟

ج: در براه اندازی پالایشگاه شمارهٔ ۲ از نیروی ایرانی استفاده شد و هیچ اشکالی نیز پیش نیامد. پالایشگاه اصفهان را نیز تکنسینهای ایرانی می‌توانند راه بیاندازند خیلی خوب هم می‌توانند. ولی دولت می‌گوید که اگر قسمتی از آن خراب شد دیگر شرکت فلور گارانتی آنرا قبول نمی‌کند بنابراین ما مجبوریم ۱۵۰ میلیون تومان به‌آن شرکت بپردازیم تا آن شرکت پالایشگاه را دوباره راه بیاندازد.

یکی دیگر از نمایندگان: ما پس از بررسی و صحبت به‌این نتیجه رسیدیم که ما نمی‌توانیم کلاً قطع رابطه با خارج نمائیم زیرا دستگاههائی داریم که در حال حاضر از لحاظ لوازم یدکی نمی‌توانیم خود تولید کنیم. مجبور به‌وابستگی هستیم. زیرا ما می‌دانیم که اگر لوازمی را به‌ما ندهند اکثر دستگاههای ما از کار می‌افتد و ما نمی‌توانیم آنها را تولید کنیم.

یکی دیگر از نمایندگان: دولت باید متوجه این موضوع باشد که آمریکا در معاملاتش جنبهٔ تجارت را در نظر ندارد بلکه جنبهٔ وابستگی فراوان دارد. زیرا ما قبلاً با کشورهایی مثل روس و فرانسه تجارت داشتیم ولی وابستگی نداشتیم. یک شرکت آمریکائی اجازه نمی‌دهد تکنسین ما سر از کار او دربیاورد که خود یکی از عوامل بوجود آورندهٔ وابستگی است و دولت نباید باج دهد. شرکت فلور اگر می‌خواهد این پالایشگاه را راه بیاندازد باید او را مجبور کند که اجازه دهد تکنسینهای ایرانی بر کار او نظارت نمایند و چنانچه دولت این عمل را انجام ندهد خیانت به‌ملت کرده است. دولت باید برآورد کند که آیا می‌تواند این لوازم یدکی را از کشورهایی غیر از آمریکا تهیه کند زیرا ما میتوانیم قطعات را مثلاً از هند وارد کنیم ممکن است دوام آنها کمتر باشد ولی قیمتهای اجناس امریکایی اخیراً ۵۰۰٪ ترقی کرده است و پولش را هم چلوتر می‌خواهند.

س: کلّ دستگاه پالایشگاه از امریکا تأمین میشود؟

ج: خیر، قسمتی از لوازم از انگلیس، آلمان و ایتالیا تهیه می‌شود. فراموش نباید کرد که آنان منافع را بین خود تقسیم می‌نمایند.

س: وضع تولید را قبل و بعد از انقلاب توضیح دهید؟

ج: قبلاً ۲۲۰ هزار بشکه در روز به‌دستگاهها داده می‌شد که این ظرفیت کامل بود و این ۲۲۰ هزار بشکه به‌بنزین معمولی ــ بنزین سوپر ــ نفت گاز، نفت سفید و نفت کوره و سولار و یک سری مواد دیگر تبدیل میشده و به‌بازار عرضه میشد.

قبل از انقلاب بعلت تعمیر دستگاهها، نفت خامیکه به‌دستگاهها داده میشد ۱۱۰ هزار بشکه در روز بود، و متأسفانه بعلت سهل‌انگاری متخصصان خارجی یکی از دستگاهها (دستگاه آیزوماکس) منفجر شد و طی آن دو نفر از برادران کارگر شهید شدند. این دستگاه از دستگاههای مهم پالایشگاه است بخاطر اینکه سوخت جت و نفت سفید را این دستگاه تهیه می‌کرد و نیز یک مقدار راندمان دستگاهها را پایین می‌آورد ولی بعد از انقلاب بطور کلی افراد بطور جدی و فعالانه بدون تکنسین‌های خارجی و بدون کارفرما کار میکنند که باعث افتخار است. علیرغم اینکه همیشه شایع بود کارکنان ایرانی نمی‌توانند با این دستگاهها کار کنند و راندمانی داشته باشند. بطور کلی در پالایشگاه نمیتوان گفت تولید بالا رفته و یا پایین آمده این بستگی به‌خوراکی است که به‌دستگاهها داده میشود. این خوراک بخاطر همزمان شدن با تعمیرات دستگاهها به‌نصف تقلیل یافته است.

س: تعداد کارگران پالایشگاه چقدر است و در چند شیفت کار می‌کنند؟

ج: تعداد کارگران در حدود ۷۵۰ نفر و تعداد کارمندان در حدود ۹۰۰ نفر می‌باشد که بعد از انقلاب بخاطر مسائل سیاسی، کارگران و کارمندان با تفاهم زیادی مشغول بکار شدند اما بخاطر مسائل صنفی در حال حاضر تضادهائی بوجود آمده است که در صدد هستیم که آنرا حل کنیم. اگر دولت آنطور عمل کند که امام تعیین کرده ما حرکت خود را هماهنگ با دولت می‌کنیم. اما خدا نکند دولت را روزی کارفرما بحساب آوریم مجدداً حرکت خود را بصورت حرکت صنفی که قبلاً به‌آن اشاره شد شروع می‌کنیم. کارگران بطور سه شیفت کار می‌کنند اما بعد از انقلاب بخاطر مسائل امنیتی شبها کارگران کار نمی‌کنند و عملاً به‌دو شیفت تقلیل یافته است که بطور دوازده ساعت در دو نوبت کار می‌کنند. اما بطور عادی در سه شیفت شب، صبح و بعد از ظهر به‌کار مشغولند.

س: در در مورد تشکیل سندیکا و شورا چه نظر دارید؟

ج: در شروع انقلاب کمتر گروهی بود که جرأت داشته باشد یک فعالیت زیر زمینی را تشکیل دهد و رهبری قسمتی از اعتصابات را بعهده بگیرد آنروز مسئلهٔ نماینده بودن مطرح نبود هر کس جرئت بیشتری داشت بهتر می‌توانست صحبت کند جلو می‌آمد و حرکت را آغاز میکرد ۲۰ نفر یا ۳۰ نفر که خود را در اختیار انقلاب گذاشتند آمدند و نشستند چیزی بعنوان سندیکای مشترک درست کردند یعنی کارگر و کارمند حرکت سیاسی خود را با هم آغاز کردند وقتی همه صحبتها ـ فعالیتها برای سرنگونی شاه بود بنابراین تمام حرکتها ممکن بود. سندیکای مشترک بوجود آمد و با تماسهائی که با پالایشگاههای دیگر گرفته شد. باعث شد که آنان در این سندیکا ادغام شدند. بعد از آنکه کمی اوضاع ارام شد و انقلاب پیروز شد. صحبتی در پالایشگاه تهران مطرح شد که آیا کارگر و کارمند میخواهد حرکت مشترکی را داشته باشند یا نه رفراندوم می‌شد. رأی بر این دادند که در کنار هم حرکت کنیم. بعد از اینکه سندیکا بوجود آمد چون باز واقعاً سندیکا این حق را نداشت که خودش در هر قسمتی نظر دهد و نمایندگانی که بعداً انتخاب شدند رسماً ممکن بود از مشکلات خاص آن قسمت اطلاعی نداشته باشند گفتند در هر قسمت شورائی بوجود آید انتخاباتی شد و در هر قسمت شورائی تشکیل شد. سندیکا نقش هماهنگ کنندهٔ این شوراها را دارد و مسائل را که در قسمتها حل میشود مال خود شوراهاست و مسائل که بیرون شوراهاست و به‌سطح صنعت نفت مربوط است سندیکا دنبال آن می‌رود و تقریباً میتوان گفت که بعید نیست در آینده اسم سندیکای مشترک را شورای مرکزی بنامیم. شوراهای قسمتهای مختلف دارای هدفهای مشترکی هستند. چون باصطلاح در یک کارگاهی بنام پالایشگاه تهران دارند کار می‌کنند تقریباً در تمام چیزهای کلی این شوراها یکی هستند.

دیداری با .....

کارخانه مثل خشک‌کن‌ها حرارت بسیار زیادی تولید می‌کنند که کارگران به‌ناچار در فاصله یک‌متری آن مشغول بکارند. کارفرما می‌گفت منتظر طرحی هستیم تا این مشکل را هم رفع کنیم حداقل حقوق کارگران ۲۱/۷ تومان می‌باشد. آنها خوشحال از بالا رفتن حداقل حقوق کارگران توسط دولت می‌باشند ولی نگران از اینکه چرا تا کنون حداقل حقوقی (۵۶/۷ تومان) را که دولت معین کار به‌آنها پرداخت نمی‌کنند. بعضی از اعضای سندیکا به‌حقوق ۲۲۰۰۰ تومانی اشاره می‌کنند هم‌چنین کارگری گفت من در این کارخانه از حقوق ۶۰۰۰۰/ تومانی هم خبر دارم. البته وقتی با مدیر کارخانه درمیان گذاشتیم این موضوع را تکذیب کرد و بیان نمودند که حداکثر حقوق ۲۰۰۰۰/ تومان می‌باشد. اعضا سندیکا کمبود بودجه را قبول نداشتند و این کمبود را مانعی میدانستند که کارفرما سر راه آنها برای رسیدن به‌حقوق حقه خویش می‌گذارد.

● دستگاه خشک‌کن کارخانه با وجود حرارت بسیار زیاد، کارگران مجبورند در فاصلهٔ یک متری آن کار کنند.

تقاضای کارگران از دولت:

وقتی پای صحبت کارگران می‌نشینی نیازها و خواست‌هایشان را از دولت اینطور بیان می‌کنند:

یکی از اعضای سندیکا می‌خواست که دولت با بالابردن حقوق کارگران باید سعی در تثبیت قیمت‌ها داشته باشد و هم‌چنین می‌خواست که قانون کار با شرکت نماینده کارگران تصویب شود. دیگری می‌گفت برای ملی شدن بانکها باید تمام سرمایه‌دارانی که در بانکها سهم دارند و در استثمار طبقه کارگر ذینفع هستند خلع ید شوند. یکی از کارگران بیکار کارخانه خواستار سرعت عمل دولت در کارها بود. دیگری می‌گفت از دولت می‌خواهم نگذارد کارگر زیر دست و پا له شود. مسئول برق کارخانه می‌گفت یک هیئت مدیره دولتی باید بیاید و به‌مشکلات کارگران رسیدگی کند. او هم‌چنین می‌گفت چو حاکم بر کشور عامل کندی حرکات دولت است. یکی از کارگران اظهار داشت باید در جهت نفی استثمار گامهای سریعی برداشته شود.

سرانجام کارگر استثمار شده و در دریای نیستی به‌تکاپو افتاد و حال دست‌وپا می‌زند، تا غریقی اورا نجات دهد، او در دریای مشکلات و کمبودها غوطه‌ور است و هر لحظه امکان سقوطش می‌رود. او منتظر آنانی است که در دولت امور کارگری را عهده دارند. او منتظر انسانهائی است که خالصانه دست محبت بسویش دراز کنند و اورا در پیدا کردن راه نجات مدد کنند.

به‌امید آنروز که کارگر، کارخانه را چون فرزند خویش و مدیر را چون راهنما و تولید را چون جدا شده از پوست و خون خود انگارد.

بامید روزی که با عمل به‌اصول اقتصادی اسلام هر گونه آثار شوم استثمار نابود گردد. و شعار اسلام حامی طبقه کارگر صورت عمل بخود گیرد.

تهیه از دفتر نشر امت در همدان

خلع ید از صاحبان کارخانه و سپردن امور به شورای اسلامی کارگران تنها راه خروج از بن بست است

نفت بزرگترین منبع بدبختی ملل عرب بوده است

[مصاحبه با سمیر امین (اقتصاددان مصری)]

ترجمه از میدل ایست ژورنال ۱۹۷۹

س: در آمد تولید کنندگان نفت رو به‌افزایش است. آیا شما معتقدید که از این ثروت به‌نحو احسن استفاده شده است؟

ج: این بستگی دارد. بعضی از تولید کنندگان عرب، و بخصوص الجزایر و عراق، از در آمدهای نفتی‌شان برای سرعت بخشیدن به‌فرآیند صنعتی شدن استفاده کرده‌اند، و اگر دقیقاً به‌نوع صنعتی شدنی که آنها بر گزیده‌اند بنگریم، قدمی مثبت در راه توسعه و رشد بوده است. کشورهای دیگر عرب قادر به‌استفاده از در آمدهاشان در راه توسعه نبوده‌اند و نتیجتاً این در آمدها را در غرب سرمایه‌گذاری کرده‌اند به‌نظر من این برابر با تلف کردن این در آمد است. اگر آنها قادر به‌استفاده از در آمد نفت نیستند باید تولید را محدود کنند.

س: آیا حتی می‌توان گفت که نفت یک منبع بد شانسی برای اعراب بوده است؟

ج: بله، واقعاً همینطور است. صرفنظر از سایر عوامل منفی که از دوران حاکمیت استعماری به‌جا مانده است. نفت احتمالاً بیشترین منبع بد شانسی برای ملت عرب بوده است نفت در جهان عرب ممکن است نقشی را بازی کند که طلا در اسپانیای قرون شانزدهم و هفدهم داشت: یعنی خلق بظاهر ثروتمند در حالیکه سود برندگان واقعی از این ثروت در جای دیگری هستند.

س: شما گفته‌اید که شکل سرمایه‌داری رو بنائی که در جهان عرب، مثل سایر قسمتهای جهان سوّم، توسعه یافته است وارد یک دورهٔ بحران ریشه‌ای و پایدار گشته است پس اگر چنین است، چه آینده: اقتصادی در انتظار دنیای عرب خواهد بود، در حالی که منابع گاز و نفت شروع به‌تمام شدن کرده‌اند؟

ج ــ من واقعاً نمی‌دانم که آیا منابع نفت خام به‌این سرعت در حال تحلیل رفتن هستند یا نه؟ آینده هر نوع منبع زیر زمینی در رابطه با مسئلهٔ هزینه روشن می‌شود. چیزی که قطعی است اینست که نفت ارزانی که غرب در ۳۰ سال گذشته از آن اینقدر استفاده برده است. رو به‌تحلیل می‌رود، اگر چه هیچ دلیلی بر اثبات این امر که ذخایر نفتی حتی با قیمتهای بالاتر برای مدت نسبتاً طولانی‌تری پایدار بماند، وجود ندارد.

در رابطه با طبیعت بحران، بنظر من، این به‌طور عمده مربوط به‌تقسیم بین‌المللی کار می‌شود. پایه روابط بین کشورهای توسعه یافته سرمایه‌داری و کشورهای جهان سوم آنچنانکه در ۳۰ سالهٔ اخیر تکامل یافته‌اند، مشخص شدن و محدود شدن به‌صادرات مواد خام از کشورهای جهان سوم به‌کشورهای سرمایه‌داری توسعه یافته، بوده است.

کشورهای جهان سوم سعی کرده‌اند که با استفاده از منابع مالی ناشی از چنین صادراتی، سیاست جایگزینی واردات به‌جای بازارهای داخلی خود برگزینند. این سیاست است که مسئول وضعیت داخلی امور است: رشد نا برابری در توزیع در آمد، عدم توازن در حال رشد بخشهای کشاورزی و صنعتی، شهرنشینی عجولانه و بیکاری زیاد. کشورهای عرب بسیاری به‌مرزهای عینی چنین شیوهٔ رشدی رسیده‌اند.

تنها آلترناتیوی که آنها برای رها کردن خود پیش رو دارند.

تجدید نظر کردن کلّی در بارهٔ مسئلهٔ صنایع هم جهت با صادرات که هدفشان استفاده بردن از منابع انسانی ارزان و مازاد عرب می‌باشد است. روشن است که سیاست فعلی به‌هیچ عنوان نمی‌تواند مسائل توده‌های عرب را حل کرده یا نیازهای آنان را پاسخگو باشد.

س ــ آیا کمک اعراب به‌آفریقا هیچ‌گونه تفاوت اساسی با کمک غرب (به‌این قاره) دارد؟

ج ــ این را باید روشن کرد که کمک اعراب به‌آفریقا اخیراً آغاز شده است و هنوز زود است که دربارهٔ طبیعت چنین کمکی یک داوری کلی بکنیم. کشورهای در حال توسعه هم اکنون در بارهٔ احتمال یک «تکیه بر خود جمعی» بحث می‌کنند. بطور خلاصه، این واژه، «جدا سازی» کشورهای توسعه نیافته‌اند از کشورهای توسعه یافته سرمایه‌داری غرب و تقویت همکاری و مساعدت بین کشورهای توسعه نیافته را تعریف می‌کند. تا کنون، همکاری اقتصادی در جهان عرب در سایر کشورهای توسعه نیافته. بطور عمده در مضمون بازارهای مشترک بررسی شده است. این نوع همکاری اقتصادی بدلیل وجود سطوح نابرابر توسعه در بین کشورهای توسعه نیافته بسیار نا مطلوب است، یک بازار مشترک تنها می‌تواند پدیدهٔ موجود را دچار موقعیت غیر مطلوب‌تری بنماید سرمایه مالی که می‌تواند برای توسعه سیستمانیک و باز سازی بکار رود چیزی کاملاً جدا از کمک‌های سنتی غرب می‌باشد بنابراین علاوه‌غم ایهامات ذاتی «تکیه بر خود جمعی» کمک اعراب به‌آفریقا می‌تواند یک نقش بالقوه نوین و دینامیکی را بازی کند.

س ــ شما بان جدائی از نظام سرمایه‌داری جهانی را به‌عنوان یک آلترناتیو در مقابل توسعهٔ «توسعه نیافتگی» مطرح می‌کنید. آیا چنین استراتژی بدون وجود شکل مستحکمی از اتحاد عربی ممکن است؟

ج ــ تا حدود مشخص جواب بله است. البته هر چه واحد بزرگتر باشد فرآیند جدائی (از نظام سرمایه‌داری جهانی) و انقلاب اجتماعی آسانتر شده و موانع کمتری می‌شوند. برای مثال، برای کشورهای کوچک مثل کشورهای خلیج، اتخاذ یک سیاست جدی توسعه خود محوری بسیار مشکل است. اما برای کشورهای بزرگتر عرب در شمال آفریقا مثل مصر و سودان با سوریه و عراق مسئله این نیست. وظیفه اساسی این کشورها باید ایجاد یک سیاست هماهنگ «توسعه خود محوری» باشد که اولویت به‌بار آوری افزایندهٔ کشاورزی می‌دهد و منافع حاصله از این افزایش را در مناطق روستائی صرف کرده و (بدین ترتیب) فرآیند صنعتی شدن را به‌منظور کمک به‌روند تغییر در مناطق روستائی، تغییر جهت می‌دهد. به‌موازات این سیاست، فرآیند صنعتی شدن باید چنان هدایت شود که نیازهای جمعیت قابل توجه شهرنشینی را برآورد و این با استراتژی «درون نگری» (externally-oriented) که بیشتر کشورهای عرب در گذشته و حال تعقیب می‌کنند، کاملاً مخالف است ــ تغییراتی که من مشخص می‌کنم تنها از سطح کلی می‌تواند آغاز شود. اگر بعضی کشورهای مشخص عربی گزینش‌های خود را در زمینه توسعه به‌این سو کشورهای مشخص عربی گزینش‌های خود را در زمینه توسعه به‌این سو تغییر جهت دهند، می‌توانند پایه یک دیدگاه اصولی‌تر را در زمینه فرآیند وحدت عربی، بیافرینند

س: پرزیدنت سادات مصر را با کمک‌های مالی اعراب و یاری آمریکا به‌جادهٔ لیبرالیزم اقتصادی انداخته است. آیا چنین سیاستی واقاً برای مصر مناسب است؟

ج ــ من فکر نمی‌کنم که چنین سیاستی واقعاً نیازهای و آرزوهای مردم مصر را بر آورد کند. مصر کم و بیش بر گزیده است که در فرآیند از نو ترتیب دادن صنعتی ادغام شود که من قبلاً در بارهٔ آن توضیح دادم. این بدان معنی است که کمپانیهای غربی می‌توانند از نیروی کار ارزان مصری برای تولید صادراتی (exfort-oriented) کالاهای ساخته شده استفاده کنند.

س ــ در بارهٔ شکل دقیقی از سرمایه‌داری دولتی که در الجزایر توسعه یافته است چه فکری می‌کنید؟

ج ــ متأسفانه باید بگویم که تجربه صنعتی الجزایر اساساً تفاوتی با تجربه مصر در زمان ناصر ندارد. البته عوامل متعدد عمده‌ای وجود دارند که مسئله را برای الجزایری‌ها آسانتر می‌کند. الجزایر بشکرانه منابع هیدروکربن‌اش، گرفتار مشکل مبادلات خارجی که مصر از ابتدا با آن مواجه بود، نبود. بعلاوه الجزایر مجبور نبوده است که با مشکل جنگ خاورمیانه مانند مصر مقابله کند. اضافه بر این، با توجه به پیشینهٔ تاریخی و زمینهٔ طبقاتی جبههٔ آزادیبخش ملی (FLN) هنوز فرصت برای تغییرات اجتماعی رادیکال و گزینش دوباره یک الگو توسعه وجود دارد اما الجزایر از مشکلاتی که ناشی از استراتژی توسعه‌ای که مبتنی بر جایگزینی واردات که سرمایه آن از صادرات کالاهای اولیه تأمین می‌شود، سر برون نیاورده است و تا زمانی که در استراتژی توسعهٔ خود.

تجدید نظر نکند و عدم تعادل فاحش موجود بین صنعت و کشاورزی را اصلاح نکند، اثرات منفی چنین الگوی توسعه‌ای باقی خواهند بود.

س ــ آیا برای دنیای عرب بهتر است که روابط اقتصادی، تکنولوژیکی و مالی خود را با کشورهای به‌اصطلاح سوسیالیست، به‌عوض غرب، توسعه دهد؟

ج ــ نه من اینچنین فکر نمی‌کنم. تاریخ به‌وضوح نشان می‌دهد که هیچ چیز جایگزین توسعه خود محوری [رشد و توسعه اقتصادی با حفظ استقلال] نیست. استراتژی توسعه متکی به‌خارج یا همواره متکی به‌خارج باقی می‌ماند، چه اینروابط با شرق باشد چه با غرب.

س: می‌توان گفت که تا کنون بیشتر اشکال سوسیالیزم در جهان عرب ماهیتی اساساً حرفی داشته‌اند. آیا سوسیالیزم آینده‌ای در جهان عرب دارد؟

ج: من فکر نمی‌کنم آنچه که در جهان عرب، یا در سایر کشورهای در حال توسعه، سوسیالیزم نامیده شده صرفاً جنبهٔ حرفی داشته است. این یک شکل مهم از تغییر اجتماعی بوده و هست و موجب تغییرات مهمی در روابط طبقاتی در یک سطح بین‌المللی شده است. در بسیاری از کشورهای عرب طبقهٔ بورژوازی کمپرادور و ملاکین آریستوکرات نفوذ خود را بطور هماهنگ در دورهٔ استعماری محکم کرده بودند. اما استراتژی توسعهٔ بعثی و ناصری وحدتی بین طبقه متوسط روستائی را، که آنهم بیشتر از اصلاحات‌ارضی استفاده برد. با بورژوازی نوین دولتی جایگزین این ترکیب کرد چگونه می‌توان گفت که این یک تغییر اجتماعی پایه‌ای و حتی انقلابی نبود؟

معذلک این تغییر را باید به‌عنوان یک مرحله از توسعه سرمایه‌داری در جهان عرب بررسی کرد. بدلیل اینکه این فرآیند مورد تعارض غرب واقع شود. بورژوازی دولتی عرب مجبور به‌جستجوی نوعی وحدت با اتحاد شوروی گشت. با در نظر گرفتن این امر که روسها این تغییرات را به‌عنوان بخشی از فرآیند انتقال به‌سوسیالیزم پذیرفتند و پیشتاز طبقه کارگر عرب نیز آنرا گامی در این جهت ارزیابی کرده، یک مغالطهٔ اساسی در رابطه با طبیعت سوسیالیزم پا به‌عرصه وجود گذاشت.

این نوع استراتژی توسعه با مقاومت توده‌ای قابل توجهی روبرو گشت. نظام حکومتی یک حزبی در کشورهائی نظیر مصر، سوریه، عراق به‌منظور جذب سازمانهای مستقل پیشین طبقه کارگر طرح‌ریزی شده بود. معذلک طبقهٔ کارگر که نمی‌توان آنرا در کشورهای مصر، عراق، سوریه، و افریقای شمالی ناچیز شمرد نمی‌تواند خود را بر یک پایه مستقل دوباره سازماندهی کند.

س ــ آیا فکر می‌کنید که انقلاب ایران انعکاساتی در جهان عرب خواهد داشت؟

ج ــ بله، امّا حتی احتیاجی به‌چنین انعکاساتی نیست، زیرا که جریانات مشابهی درجهان عرب قابل رؤیت می‌باشند. محتوی اسلامی خیزش مردمی بر علیه عواقب توسعه سرمایه‌داری وابسته، اعم از لیبرال یا با محتوی دولتی، تنها بیانگر ضعف تاریخی نیروهای چپ و اشتباهی که ناشی از پذیرش این شکل توسعه به‌عنوان گامی در جهت انتقالی به‌سوسیالیزم می‌باشد، است چیزی که پیش از محتوی ایدئولوژیکی خیزش اهمیت دارد این حقیقت است که توده‌ها بر علیه توسعهٔ سرمایه‌داری وابسته بر خاستند. در این معنی باید به‌یاد بیاوریم که در گذشته نه چندان دور، ایران به‌عنوان یک نمونهٔ بارز موفقیّت در جهان سرمایه‌داری معرفی می‌شد. بعضی اقتصاددانان مشخص و وسایل ارتباط جمعی غرب، به‌دلایلی که به‌خوبی می‌توان تصور کرد، گزینش‌های شاه را در زمینه توسعه مورد تمجید قرار می‌دادند. (اما) انقلاب ایران بدون شک نشان داد که چنین الگوئیتوسعه‌ای به‌هیچ وجه قادر به‌حل مشکلات مردم نیست.

من شخصاً فکر نمی‌کنم که در حال حاضر عربستان سعودی آمادهٔ این نوع تغییر اجتماعی باشد. کشورهایی در جهان عرب که بیشتر احتمال تجربه پدیده‌های مشابه (انقلاب ایران) برای آنها مطرح است کشورهائی با شکل پیشرفته‌تری از توسعهٔ صنعتی و تقسیمات جدی طبقاتی می‌باشد. بنابر این کشورهای مصر، سوریه، عراق و مخرب همهٔ عوامل مناسب برای این نوع انفجارهای مخالف توده‌ای را در خود دارند.

[بدلیل مواضع مارکسیستی در بعضی موارد گرفته شده معتبر است این اسم را (علی پویا) به‌عنوان مترجم در پایان مقاله بگذارید. و توضیح دهید (در ابتدا) که در مجموع مثبت تشخیص داده شده.]

بقیه از صفحه ۱

گزارش از روستای....

ندارد. روستا فاقد فاضلاب بوده و اکثراً چاههای کم عمق برای توالت کنده‌اند. وجود امراض اطفال و بیماری سلّ و چشم درد که ناشی از قالیبافی است در روستا شیوع وسیعی دارد و بیشتر دخترها به‌مرض سلّ مبتلا هستند.

مسکن: اکثر خانه‌ها گلی است و هر خانه تشکیل شده از دو اتاق و دو طویله و انبار که تمام افراد خانه از یک اتاق استفاده می‌کنند که در این اتاق هم تنور است و هم دستگاه قالیبافی. این اتاق پنجره ندارد و درش خیلی کوچک است که در زمستانها اتاقها گرم باشد ولی عدم نور کافی کار قالیبافی را مشکل نموده وجود تنور برای این است و قالیبافان را به‌چشم درد مبتلا می‌سازد.

اقتصاد روستا: افراد به‌زراعت گندم و جو و دامداری مشغولند زراعت گندم بیشتر است و این کار بعهدهٔ افراد مسنّ است و اینها قادر نیستند این کار را انجام دهند و مثل بیشتر دهات از نظر نیروی انسانی و ماشین آلات کشاورزی در مضیقه هستند و جو بمقدار نیاز روستا در دامداری کشت میشود.

در زمستان اشخاصی بعنوان شیربز می‌آیند و چون فصل بی‌پولی است شیر دامها را پیش خرید می‌کنند و روستائیان مجبور میشوند تا در فصل بهار و تابستان کلیه شیر دامها را بطرف بدهند و حتی نمی‌توانند از این شیر به‌بچه‌های مریض خود بدهند این شیربزها شیر را کیلوئی ۱۳ تا ۱۵ ریال می‌خرند و در شهرها شیر کیلویی تا ۷۰ ریال بفروش میرسد. قالیبافی یکی از مهمترین درآمدهای اینجاست بطوریکه در هر خانه‌ای دستگاه قالیبافی وجود دارد و زنان و دختران به‌این کار مشغولند و این اهمیت بیشتری بین افراد روستا دارد و از صفات مشخصهٔ خانواده‌ها مرغوب بودن قالی آنهاست و دخترها نیز با این صفت مشخص میشوند و در موقع ازدواج پدر دختر به‌این نسبت از شوهر دخترش پول دریافت می‌کند و مقدار این مبلغ از ۲۰ هزار تومان به‌بالاست و هر دختر یک دستگاه قالیبافی با خود بخانه شوهر می‌برد. دو تاجر فرش عمده بنامهای حاجی آقا علی‌افضلی و میر آقا مدرسی در روستا فعالیت می‌کنند که مدرسی آخوند روستا و همچنین نمایندهٔ ثبت اسناد است و هر سه صفت زروزور و تزویرگر دار است و اینها سرمایه را بخانه‌ها میدهند و بعد از تمام شدن به نسبت ۲ سهم به۱ سهم تقسیم می‌کنند با احتسابات دلالی بهره ــ دیرکرد و هزاران دوز و کلک نسبت به‌کمتر از تساوی نیز میرسد و دو جور استثمار می‌کنند یکی در موقع دادن سرمایه و دیگری موقع فروش قالی و سیستم بازار تبریز نیز امکان نمیدهد که خودشان فرش را به‌تبریز بیاورند و چیز جالب اینکه با پول نقد معامله نمی‌کنند و چک و سفته بازی وسیله معامله است.

روابط اجتماعی: آخوندها و چند نفر ریش سفید رل بزرگی در تقسیم‌گیری مسائل مربوط به‌روستا دارند سطح زندگی تقریباً در سطح خیلی پائین قرار دارد و در حدود ۸۵ درصد اهالی از فقر بیشتری برخوردارند و بقیه رفته‌رفته گردن کلفتر میشوند بقالهای روستا رابطهٔ بیشتری با شهر دارند و بتازگی یک ژنراتور برق در روستا کار گذاشته‌اند که خیلی خوب است و یک شعبه کانادادرای دارد که مستقیماً از شرکت می‌گیرند و نوشابه نفوذ بیشتری بخانه‌ها کرده است. از نظر توانمندی افراد در سنین بالایی هستند و از جوانان تعداد خیلی کمی در روستا هستند و افراد از نظر آگاهی در سطح خیلی پائین قرار دارند.

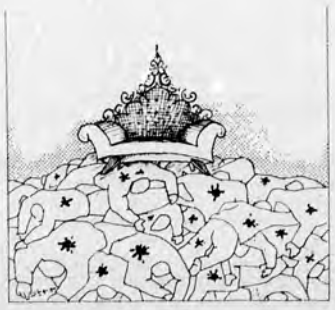

مرکز پخش مطبوعات اسلامی

برادر و خواهر مسلمان:

بدین‌وسیله باطلاع هموطنان عزیز می‌رسانیم که «مرکز پخش مطبوعات اسلامی» نشریات زیر را بصورت اشتراکی بوسیله پست در ایران و کشورهای خارج برای علاقمندان ارسال میدارد.

ردیف	نام‌نشریه	هفته‌نامه: تک شماره	هفته‌نامه: شش ماهه	قیمت: سالیانه
	نهضت زنان مسلمان	۱۰ ریال	۲۶۰	۵۲۰
	بررسی	۱۰ ریال	۲۶۰	۵۲۰
	امت	۱۰ ریال	۲۶۰	۵۲۰
	نبرد ملت	۱۰ ریال	۲۶۰	۵۲۰
	پاسداران	۱۰ ریال	۲۶۰	۵۲۰
	مجله سروش	۵۰	۱۳۰۰	۲۶۰۰
	عروةالوثقی	۳۰	۳۶۰	۷۲۰
	اتحاد جوان	۳۰	۳۶۰	۷۲۰
	نسل نو	۳۰	۱۸۰	۳۶۰
	مکتب اسلام	۴۰	۲۴۰	۴۸۰
	پیام شادی	۳۰	۱۲۰	۲۴۰
	کودک مسلمان	۲۰	۱۸۰	۳۶۰
	دانش‌آموز	۵	۱۳۰	۲۶۰
	کارگر مسلمان	۵	۱۳۰	۲۶۰
	مجاهد	۵	۱۳۰	۲۶۰
	نشریه قم	۵	۱۳۰	۲۶۰
	راه حق	۱۰	۲۶۰	۵۲۰
	پیام معلم	۱۰	۲۶۰	۵۲۰
	کوثر	۳۵	۹۱۰	۸۲۰
	فتح	۳۵	۹۱۰	۸۲۰
	پیام شهید	۳۰	۱۸۰	۳۶۰
	ناس	۲۵	۱۵۰	۳۰۰
	عصر	۱۰	۲۶۰	۵۲۰

علاقمندان میتوانند مبلغ نشریه موردنظر خود را برای مدت حداقل ۶ ماه و حداکثر یکسال به‌شماره حساب بانکی شماره ۷۱۵۴ بانک صادرات شعبه میدان امام حسین واریز نمایند، و رسید آنرا به‌آدرس دقیق خود برای این مرکز ارسال دارند ضمناً وجه فوق در کلیه شعب بانک صادرات توسط حواله قابل پرداخت است.

آدرس: تهران خیابان انقلاب ایستگاه پل چوبی مرکز پخش مطبوعات اسلامی تلفن

ساعت کار: صبح ۸ الی ۱ عصر ۴ الی ۸

۷۶۹۲۶۹

۳۴۴۲۵۰

۳۴۸۶۱۴

«زندگی اسفبار مردم زلزله‌زده بختیاری»

نظر به‌اینکه آشنائی کاملی به‌روشنگری و ارشاد آن هفته‌نامه پیرامون مسائل و مشکلات مملکت دارم لذا تمنا دارم فریاد مردمی که از دور دست‌ترین مناطق محروم این مملکت بلند می‌شود و راه پناهی ندارند و امید خود را از مراجع مسئول قطع نمودند در آن هفته‌نامه منعکس فرمائید. باشد که سایر مراجع مسئول دولتی و مملکتی بخود آیند.

در جریان زلزله شدید فروردین ۵۶ که در مناطق بختیاری (بخش اردل) بوقوع پیوست. علاوه بر از بین رفتن ۱۵۰۰ نفر اساس زندگی آنان که زنده ماندند را نیز در هم کوبید، و متعاقب آن سیل شدیدی جاری شد و کلیه منابع غذائی خود را از دست دادند. بعد از یکسال از وقوع زلزله دولت وقت (رژیم سابق) اقدام به‌اصطلاح بازسازی مناطق نمود و محلی را در نظر گرفتند که در شعاع ۱۵ تا ۲۰ کیلومتری از محل کار

بقیه در صفحه ۵

درود بر آیت‌اله طالقانی، مجاهد نستوه

کارتر از فروش ۴۷ میلیون دلار نفت بایران دفاع کرد

بر اساس گزارش خبرگزاری پارس: در نطقی که کارتر در تامپا پیرامون مسائل نفتی و انرژی ایراد کرد تصمیم شخصی خود را مبنی بر فروش معادل ۴۷ میلیون دلار نفت بایران را ابراز داشت و در نتیجه موجب انتقاد شدید محافل مختلفی گردید. این محافل بیم آن داشتند که آمریکا در زمستان آینده از کمبود این مواد دچار اشکالات فراوان بشود.

تمپا، یونایتدپرس: پس از آنکه وزارت انرژی ایالات متحده در واشنگتن یادداشت محرمانهٔ کابینه را که جیمز شلزینگر وزیر انرژی، سابق آمریکا در آن فروش نفت به‌ایران را پیشنهاد کرده بود علنی ساخت، کارتر نظرات خود را در این زمینه اعلام داشت که ارسال معادل ۴۷ میلیون دلار نفت به‌ایران را که از سوی این کشور درخواست شده بود تأئید کرده است. ارسال نفت مذکور به‌ایران را پالایشگاه اردهاس تأمین می‌نماید.

شلزینگر در یادداشت مزبور خاطرنشان کرده که پالایشگاه اردهاس قسمت اعظم نفت خود را از ایران دریافت می‌کند. پالایشگاه مذکور بخاطر اطمینان‌یافتن به‌ادامهٔ عرضه نفت خام ایران به‌ایالت متحده از درخواست ایران مبنی بر ارسال نفت به‌این کشور را بگرمی استقبال کرده است.

بگین ادامه یورشها به‌جنوب لبنان را تاکید نمود

فلسطین اشغالی ۱۹۷۹/۸/۲۹ ــ وفا

بگزارش رسیده رهبر رژیم صهیونیستی شب گذشته گروهی از خانواده‌های یهود ــ آمریکائی را که بدست بگین نخست‌وزیر به‌فلسطین اشغالی آمده‌اند بحضور پذیرفت. بگین تروریست در این دیدار گفت: سازمان آزادیبخش فلسطین شناسائی ملتی برای نابودی یک ملت دیگری است. وی ادعا کرد یورشهای ارتش اسرائیل به‌جنوب لبنان که علیه پایگاههای مقاومت صورت میگیرد جنبهٔ پیشگیری از عملیات تروریستی در داخل «اسرائیل دارد» وی بادامهٔ این یورشها به‌جنوب لبنان تأکید نمود.

اسرائیل باید جنوب لبنان را بمباران کند!

فلسطین اشغالی ۱۹۷۹/۹/۱ ــ وفا

موشه‌دایان وزیر خارجه «اسرائیل» تأکید کرد «اسرائیل» باید جنوب لبنان را بمباران کند تا لبنان تبدیل به صحنه جنگ شود. وی که در برابر رؤسای یهودیان آمریکائی سخن می‌گفت اعتراف کرد بمبارانهای جنوب لبنان زخمیان و آوارگان و ویرانیهائی پشت سر دارد.

دایان گفت مردم آمریکا نباید زخمیها و آوارگان و ویرانیهای جنوب لبنان را به جنگ آمریکا در ویتنام مقایسه کنند وی گفت بعلت عکس‌العملهای جهانی دربارهٔ سیاست اسرائیل محافظه‌کاری از خود نشان داده است.

خودداری صهیونیستها از تجاوز به‌جنوب لبنان

واشنگتن ۱۹۷۹/۸/۱۱ وفا

سفارت «اسرائیل» در واشنگتن حاضر به‌متوقف شدن تجاوزات وحشیانهٔ اسرائیل به‌جنوب لبنان نشد. یک سخنگوی سفارت اسرائیل در واشنگتن پریروز این مطلب را در جواب سایروس ونس وزیر امور خارجه آمریکا اعلام کرده و گفت: آمریکا با نگرانی و احساس خطر اوضاع جنوب لبنان را پی‌گیری میکند و گامهای آینده مربوط به‌پیشرفت و سیر حوادث و رویدادهای منطقه است. سخنگوی سفارت اسرائیل همچنین افزود: اسرائیل برای دفاع از خود از سلاحهای مدرن ساخت آمریکا در لبنان استفاده می‌کند.

نیکاراگوا: «تضمین آزادیها»

سه‌شنبه گذشته رژیم جدید نیکاراگوا طی یک بیانیه اعلام داشت که، بعد از سرنگونی حکومت دیکتاتوری سوموزا که هر گونه آزادی فردی و جمعی (احزاب و جمعیت‌ها) را لگدمال کرده بود،و اکنون که با مبارزه‌ای خونین، ملت نیکاراگوا توانسته است حکومت ۴۰ ساله‌ی نظامی دیکتاتوری سوموزا را واژگون کند، آزادی فردی،جمعی،مطبوعات و سایر آزادی‌های ضروری کاملاً ضمانت می‌گردد.

از سوی دیگر در بیانیه آمده است که از این پس حکم اعدام لغو، و تا تدوین قانون اساسی جدید این قوانین با قدرت اجراء خواهد شد. در بیانیه هم چنین آمده که: تمام شهروندان در مقابل قانون برابر و هیچ گونه تبعیض وجود نخواهد داشت. شکنجه و انجام هر گونه اعمال وحشیانه و غیر انسانی ممنوع اعلام گردیده. در خصوص محکومیت‌های دیگر آمده که حداکثر مدت محکومیت یک مجرم ۳۰ سال خواهد بود و هیچ گونه زندانی شدن بدون محاکمه انجام نخواهد گرفت.

تشکیل تمام احزاب و سازمانهای سیاسی و هم چنین سندیکاها مجاز و تمام شهروندان از آزادی رأی دادن و انتخاب شدن برخوردار می‌باشند. قانون حق پناهندگی سیاسی را برای همه‌ی کسانی که برای آزادی، عدالت، حقوق‌بشر و صلح مبارزه کرده‌اند برسمیت شناخته و علاوه بر آن آزادی فکر، بیان ، عقیده، مطبوعات، و اخبار را نشانهٔ دمکراسی واقعی دانسته است.

از مسائل دیگر پیش بینی شده در قانون اساسی،موضوع برابری حقوق اقتصادی و اجتماعی مردان و زنان در مقابل کار مساوی بدون در نظر گرفتن نوع جنسیت می‌باشد.

بعلت وجود بیش از حد فرزندان نامشروع در نیکاراگوا، قانون جدید تصریح میکند که پدران این گونه فرزندان همان وظیفه و مسئولیت را در قبال آنان بعهده دارند که در مقابل فرزندان قانونی خود، زیرا پدران این بچه‌ها (نامشروع) اکثراً بچه‌ها را رها کرده و این مادران بوده‌اند که می‌بایستی تمام مسئولیت زندگی و تعلیم و تربیت آنها را بعهده می‌گرفتند!

بخاطر بیسوادی وسیعی که در نیکاراگوا بعلت سالها دیکتاتوری وجود دارد در متن قانون صریحاً آمده است که تحصیل دوره اوّل و دوم برای همه رایگان و اجباریست.

از طرف دیگر با انتشار متن قانون جدید از سوی رژیم فعلی مقامات دولتی قانون راجع به‌رسانه‌های گروهی را که در زمان حکومت سوموزا داشتن ایستگاه رادیو، غیرقانونی اعلام کرده بود لغو کرده و اعلام کردند با در نظر گرفتن نقش و اثر رادیو در بالاً بردن فرهنگ مردم و مبارزه با بی‌سوادی از این پس داشتن ایستگاه رادیو و پخش برنامه‌های آن کاملاً مستقل و آزاد خواهد بود.

با اخلالگری در طرح ملی شدن صنایع

با اینکه وزیر صنایع و معادن در سفر است، در این هفته قویاً شایع بود که ایشان به‌سفارت جمهوری اسلامی در یکی از کشورهای اروپائی منصوب خواهند شد، این خبر موجب نگرانی شد و ما را بر آن داشت که تحقیقاتی بعمل آوریم، زیرا وزیر صنایع در ایجاد یک جو سالم در وزارتخانه خود تا حدی موفق بوده و در مقابل اعمال نفوذ و فعالیت‌های ارتجاعی در رابطه ملی شدن صنایع بزرگ مقاومت بخرج داده است، نتیجه تحقیقات ما حکایت دارد که عده‌ای از سرمایه‌داران بزرگ که سهامشان ملی شده، بشدت مشغول فعالیت هستند که رأی شورای انقلاب را برگردانده و از خود به‌اصطلاح اعاده حیثیت نمایند، از جمله فعالیت‌های این عده پخش شایعاتی علیه دکتر احمدزاده و روش او در انتصاب مدیران صنایع ملی شده است، مثلاً شایع کرده‌اند که ایشان عده‌ای کمونیست را به‌این شرکت‌ها گمارده‌اند، فعالیت سرمایه‌داران رژیم طاغوت علیه افراد انقلابی مسلمان موجب تعجب نیست. آنچه موجب شگفتی است گوش شنوائی است که در بین مقامات دولتی برای این نوع اخلالگریها وجود دارد.

سادات مزدور محلی آمریکا

نکوزیا ۱۹۷۹/۸/۲۹ وفا

دکتر لیساریدوس رهبر حزب سوسیالیست قبرس و نماینده سازمان همبستگی آفریقا و آسیا، گفت: سادات رهبر مصر نقش یک مزدور منطقه‌ای را برای آمریکا در خاور میانه ایفا میکند، وی در یک مصاحبه مطبوعاتی که دیروز در نکوزیا پایتخت قبرس انجام شد گفت: بدون آزادی کامل سرزمینهای اشغالی اعراب و احقاق حقوق فلسطینی‌ها که مسئله بازگشت و تعیین سرنوشت و تشکیل کشور مستقل فلسطینی در رأس آن است استقرار صلح در خاورمیانه امکان‌پذیر نیست.

افزایش جدید قیمت‌ها در آمریکا.

قیمت مواد مصرفی در آمریکا بمقدار ۱٪ در زوئیه گذشته مانند ماه ژوئن افزایش یافته این مقدار نسبت به زوئیه ۱۹۷۸ ۲ر۱۱ درصد بیشتر می‌باشد. در ۷ ماه اوّل سال ۱۹۷۹ سطح زندگی با آهنگ ۱ر۱۳٪ ترقی کرده است بدین‌ترتیب اگر تورم با همان سرعت افزایش می‌یافت شاهد نتیجه بدتری از تورم که در سال ۱۹۴۶ بر پیکر اقتصاد آمریکا وارد آمد می‌بودیم.

با منع موقتی خروج کشتی‌های تفتکش از بنادر در سال ۱۹۷۴ بهای نفت غیر عمده بمیزان ۲ر۱۲٪ افزایش یافت در ماه زوئیه قدرت خرید یک خانواده متوسط چهار نفری آمریکائی بمقدار ۴ر۰٪ تنزل یافته و این نسبت به زوئیه ۱۹۷۸ بمیزان ۹ر۳٪ بوده است.

همزمان با این مسائل، اعلام شد که ذخیره پولی آمریکا بمیزان (۸ر۱ میلیارد دلار) در جریان هفته‌ی آخر ماه اوت افزایش داشت جمع کل ۵ر۳۷۵ میلیارد دلار.

ناظران بر این عقیده‌اند که رشد افزایش قیمت‌ها که در ماه زوئیه ظاهر گشت، نتیجه درصد سود کنونی می‌باشد که ایالات متحده بدست آورده است. پُل‌ولکر مشاور جدید ذخیره پولی فدرال، اعلام داشت که بعلت فشار عوامل تورم (درصد سود) مردم آمریکا مجبور می‌باشند که بالا رفتن هزینه زندگی ناشی از آنرا تحمل کنند.

تظاهرات در نیویورک

نیویورک ۱۹۷۹/۸/۲۹ وفا:

اعراب و سیاهپوستان آمریکائی مقیم نیویورک پریروز در برابر محل اقامت هیئت نمایندگی اسرائیل اجتماع کرده و علیه اسرائیل و یورشهای آن به‌جنوب لبنان که با انواع سلاحهای آمریکائی علیه مردم لبنان و فلسطین صورت میگیرد شعار دادند. تظاهرکنندگان خواستار قطع کمکهای اقتصادی و نظامی آمریکا به‌اسرائیل شدند. این کمکها روزانه بالغ بر پنج‌میلیون دلار است.

امام خمینی

قسمتی از سخنان امام خمینی در مدرسه فیضیهٔ قم که در تاریخ هفتم شهریورماه ایراد شده است.

....دادستانهای دادگاههای انقلاب موظفند بار دیگر رسیدگی بمطبوعات و وضع نویسندگان آنها را بر عهده گیرند. و هر یک از مطبوعات را که توطئه‌گر و مخالف مصالح ملت و کشور ندانستند اجازهٔ نشر دهند و از نشریات مخالف مصالح ملت و کشور جداً جلوگیری کنند.

مردم بهیچ‌وجه حق ندارند به‌کتابفروشیها تعرض کنند. در صورتیکه دادستان شهرستانها نشریاتی را مضر انقلاب تشخیص دادند موظف به‌جلوگیری هستند اشخاص غیر مسئول از دخالت در این امور جداً خودداری کنند. والاّ مؤاخذه میشوند.

(عملیات انقلابی در سرزمینهای اشغالی)

بنا به گزارش سخنگوی نظامی فرماندهی عمومی نیروهای انقلاب فلسطینی،

انقلابیون فلسطینی حملات وسیعی را به افراد و هدفهای دشمن در ۸ منطقهٔ مختلف از سرزمین اشغالی آغاز کردند. یکی از رزمندگان با بمبهای دستی به صهیونیستهایی که میخواستند وارد دفتر کارشان شوند حمله کرده و عده‌ای را کشته و زخمی نمود و خساراتی وارد ساخت و همچنین یک واحد دیگر از رزمندگان با به‌کار گذاشتن بمبهای آتش‌زا و در اثر انفجار دو تن از پاسداران اداره را زخمی و ماشین یک افسر اطلاعاتی را بشدت آسیب رساندند. و خسارات زیادی در جلوی ساختمان سازمان امنیت ببار آوردند.

انقلابیون بسلامت به پایگاه بازگشتند.

***

انقلابیون فلسطین در خیابان اصلی شلوم واقع در حومهٔ بیت‌المقدس در میان تجمع صهیونیستها چندین بمب منفجر کردند که در اثر آن عده‌ای کشته و زخمی شدند و مرکز برق منطقه نیز آسیب دید و جریان برق از بخش عربی بیت‌المقدس قطع شد و انقلابیون بسلامت به‌پایگاههای خود بازگشته رادیوی اسرائیلی در حال پخش هشدارهای پلیس در این باره بوقوع حادثه اعتراف کرد.

***

بیروت ۱۹۷۹/۸/۲۸
وفا

خبرگزاری شوروی «تاس» پریروز رژیم صهیونیستی را متهم به‌کارشکنی در شورای امنیت در مورد فلسطین کرد. همچنین افزود که موضع امریکا دربارهٔ حقوق مردم فلسطین نشان میدهد که نه‌تنها از صهیونیستها حمایت نظامی بعمل می‌آورد بلکه از نظر دیپلماتیک نیز اسرائیل را تشویق و تحریک به‌ارتکاب جنایات تازه‌ای می‌کند. تاس مسئولیت بمباران اردوگاههای فلسطینی و شهرها و روستاهای لبنان را بگردن امریکا انداخت.

مقامات صهیونیست اقدام به غصب زمینهای فلسطینی کردند

فلسطین اشغالی ۱۹۷۹/۸/۲۸
وفا

دادگاه عالی صهیونیستی در قدس طرح تأسیس کیوبقص (میلیتاهو) در رام‌الله را تصویب کرده و آنرا بدلیل امنیت فرودگاه (لد) و راههای منطقه ضروری شمرد. دادگاه گفت دولت حق تأسیس این مجتمع‌های مسکونی یهودی‌نشین را دارد. و باید جنبه‌های سیاسی و نظامی آنرا نیز تأمین کند.

بگین گفت پیش‌بینیهای نظامی نه فقط برای خطرات فعلی بلکه برای خطرات احتمالی آینده که در نتیجهٔ اوضاع در منطقه بوجود می‌آید ضروری است. همچنین نخست‌وزیر اسرائیل ادعا کرد که یهودیان حق دارند در هر منطقه‌ای که بنام «اسرائیل» نامیده میشود زندگی، کنند.

اطلاعیه جنبش مسلمانان مبارز

جنبش مسلمانان مبارز ۱۷ شهریور روز افتخار خلق را با یاد شهدای بی‌نام گرامی میدارد و برای بزرگداشت آن جلسات سخنرانی و بحث پیرامون مسائل انقلاب را اعلام می‌کند.

۱ ــ روز چهارشنبه ۱۴ شهریور برادر عباس‌زادگان تحت عنوان «**مقدمه‌ای بر انقلاب فرهنگی**»

۲ ــ روز شنبه ۱۷ شهریور برادر مجتهد شبستری تحت عنوان «**آینده انقلاب**»

۳ ــ روز یکشنبه ۱۸ شهریور برادر دکتر عزت‌الله رادمنش در باره «**انقلاب و ابتذال آن**» سخنرانی خواهند نمود.

جلسات هفتگی روزهای پنجشنبه نیز ادامه دارد و بحث این هفته پیرامون «**اقتصاد دوران انقلاب**» می‌باشد.

شروع سخنرانیها ساعت ۵½ بعدازظهر
آدرس: خیابان بهار نبش نامجو

جنبش مسلمانان مبارز

تسلیت

برادر حسین

مصیبت وارد را بر شما تسلیت می‌گوئیم، صبر بیشتر برایتان آرزو داریم. جنبش مسلمانان مبارز

اعتراف یک کلنل اتیوپی

«اعتراف کلنل مانژیستیو در مورد کشته‌شدن نظامیان در جنگهای اریتره»

تایروبی، کلنل مانژیستیو هایله‌ماریام، رئیس حکومت اتیوپی در تاریخ ۲۳ اوت برای اولین بار اعتراف کرد که سربازان شوروی که در جنگهای اریتره در کنار ارتش اتیوپی می‌جنگند، بر اثر حملات انقلابیون اریتره تعداد زیادی از نظامیان روسی کشته و یا زخمی گردیدند. بر طبق گفتهٔ رادیو، (آدیس‌آبابا)، کلنل مانژیستیو تقاضای یکدقیقه سکوت به‌یادبود سربازان کشته شدهٔ اتیوپی و سربازان بین‌المللی کوبا و روسی و یمن جنوبی کرد که در جنگ برای «دفاع از انقلاب» کشته و یا زخمی شده‌اند!!

اتیوپی که تا به‌امروز از نظر نظامی وابسته به‌مستشاران و کمک‌های نظامی شوروی می‌باشد تا کنون بطور رسمی مشارکت نظامیان روسی را در جنگهای داخل خاک خودش را اعلام نکرده است.

قابل توجه دانش آموزان

برای بالابردن سطح آگاهیهای سیاسی و مکتبی دانش‌آموزان بزودی کلاسهایی را دایر خواهد کرد.

بدینوسیله باطلاع علاقمندان میرساند که برای شرکت در کلاسها و دریافت فرم مربوطه روزهای یکشنبه و سه‌شنبه و پنجشنبه ۱۸، ۲۰ و ۲۲ شهریور از ساعت ۳ تا ۵ بعدازظهر به محل جنبش واقع در خیابان بهار شمالی ــ نبش نامجو مراجعه نمایند.

قابل توجه دانشجویان بنام خدا

بمنظور ارتقاء بینش ایده‌ئولوژیک ــ سیاسی دانشجویان بخش دانشجوئی جنبش مسلمانان مبارز بزودی، کلاسهائی دایر خواهد کرد.

علاقمندان میتوانند جهت شرکت در کلاسها و دریافت فرم مربوطه، روزهای شنبه ۱۷، دوشنبه ۱۹، و چهارشنبه ۲۱ شهریورماه به دفتر جنبش مسلمانان مبارز (خیابان بهار شمالی ــ نبش نامجو) مراجعه نمایند.

لطفاً وجوه نشریه امت را به‌حساب جاری شماره ۴۰۰ بانک صادرات شعبه تخت‌طاووس روزولت واریز نمایید

هفته نامه امت شماره ۲۱
چهارشنبه ۱۴ شهریور
۱۳۵۸ سال اوّل
زیر نظر:
شورای نویسندگان امت
خیابان بهار شمالی نبش خیابان نامجو
۸۲۴۹۸۴ ــ ۸۲۴۸۳۱
چاپ شرکت «امت» سهامی عام

درود بر امام خمینی رهبر انقلابی توده‌های مستضعف ما